

ادعیه الوسائل الی المنازل

الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَالْإِفَاضَةَ إِلَيْكَ ، وَاطْفِرْنِي بِالنُّجْحِ بِوَافِرٍ

و وقوف در برابرت، و کوچ کردن به سویت را پروردگارا روزی ام کن، و با موفق شدن به سود کامل

الرَّيْحِ ؛ وَأَصْدِرْنِي رَبِّ مِنْ مَوْقِفِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ ، إِلَى مُزْدَلَفَةِ

پیروزمندم نما، و مرا پروردگارا از جایگاه حج اکبر به تقرب گاه مشعر

الْمَشْعَرِ ، وَاجْعَلْهَا زُلْفَةً إِلَى رَحْمَتِكَ ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِكَ ،

بازگردان، و آن را مایه نزدیکی به رحمت، و راهی به سوی بهشت قرار ده،

وَقِفْنِي مَوْقِفَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ، وَ مَقَامَ وَقُوفِ الْإِحْرَامِ ،

و مرا در موقف مشعر الحرام، و مقام وقوف احرام متوقف کن،

وَأَهْلِنِّي لِتَأْدِيَةِ الْمَنَاسِكِ ، وَنَحْرِ الْهَدْيِ التَّوَامِكِ ، بِدَمٍ يَثْبُجُ ،

و شایسته گردان مرا برای ادای مناسک، و کشتن قربانی فربه، به خونی که می جهد،

وَأَوْدَاجِ يَمْجُجُ ، وَإِرَاقَةِ الدِّمَاءِ الْمُسْفُوحَةِ ، وَالْهَدَايَا الْمَذْبُوحَةِ ،

و رگهایی که خون می فشاند، و ریختن خونهای ریختنی، و قربانی های سر بریده،

وَفَرِي أَوْدَاجِهَا عَلَى مَا أَمَرْتُ ، وَالتَّنْفِيلِ (وَالْتَّنْقِيلِ) بِهَا كَمَا

و بریدن رگهای آنان بر پایه آنچه فرمودی، و انجام بیشتر بر واجب بر آنها چنان که

وَسَمَتَ (رَسَمْتَ) ؛ وَ أَحْضِرْنِي اللَّهُمَّ صَلَاةَ الْعِيدِ ، رَاجِيًا

مقرر فرمودی. حاضر کن خدایا مرا به نماز عید، امیدوار

لِلْوَعْدِ ، خَائِفًا مِنَ الْوَعِيدِ ، حَالِقًا شَعْرَ رَأْسِي وَ مُقَصِّرًا ،

به وعدهات، و هراسان از تهدیدت، با تراشیدن موی سرم، و کوتاه کردن ناختم،

و مُجْتَهِدًا فِي طَاعَتِكَ ، مُشْمِرًا رَامِيًا لِلْجِمَارِ ، بِسَبْعِ بَعْدَ سَبْعِ

کوشا در طاعتت، آماده برای رمی جمرات به هفت سنگریزه، پس از هفت دیگر

مِنَ الْأَحْجَارِ ؛ وَادْخِلْنِي اللَّهُمَّ عَرَصَةَ بَيْتِكَ وَ عَقَوَتَكَ ،

از همان سنگها، خدایا مرا به فضای خانهات و کویات

وَ مَحَلِّ أَمْنِكَ ، وَكَعْبَتِكَ وَ مَسَاكِينِكَ ، وَ سُؤَالِكَ

و جایگاه امنت و کعبهات و خاک نشستگانت و درخواست کنندگانت

وَ مَحَاوِجِكَ ؛ وَجُدْ عَلَيَّ اللَّهُمَّ بِوَافِرِ الْأَجْرِ ، مِنَ الْإِنْكَفَاءِ

و نیازمندانت وارد کن، و خدایا در بازگشتن و کوچ کردن به مزد کامل به من

ادعیه الوسائل الی المسائل

وَالنَّفَرِ؛ وَاخْتِمِ اللَّهُمَّ مَناسِكَ حَجِّي، وَانْقِضَاءَ عَجِّي بِقَبُولِ

جود کن، خدا یا و مناسک حجم را، و سپری شدن خروشم را، با پذیرش

مِنْكَ لِي، وَرَافَةً مِنْكَ بِي؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از جانب خود، و رأفت به من ختم کن، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات کشف ظلم «برطرف شدن ستم»

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى أَمَاتَ الْعَدْلَ،

خدا یا همانا ستم بندگان در کشور هایت پایدار شده، تا جایی که عدالت را میرانده،

وَقَطَعَ السُّبُلَ، وَمَحَقَّ الْحَقَّ، وَأَبْطَلَ الصِّدْقَ، وَأَخْفَى الْبِرَّ،

و راهها را بریده، و حق را محو ساخته، و راستی را باطل نموده، و نیکی را پنهان کرده،

وَأَظْهَرَ الشَّرَّ، وَأَخَمَدَ التَّقْوَى، وَأَزَالَ الْهُدَى، وَأَزَاخَ الْخَيْرَ،

و شر را پدیدار ساخته، و پرهیز گاری را خاموش کرده، و هدایت را از میان برده، و خیر را از میان برداشته،

وَأَثَبَتِ الضَّرِيرَ، وَآمَنَى الْفَسَادَ، وَقَوَّى الْعِنَادَ، وَبَسَطَ

و زبان را پایدار نموده، و فساد را رشد داده، و لجبازی را تقویت کرده، و ستم را گسترانده،

الْجَوْرَ، وَعَدَى الطَّوْرَ. اللَّهُمَّ يَا رَبِّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ

و از حد گذرانده، خدا یا، پروردگارا، این حالت را جز قدرت

إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَ لَا يُجِيرُ مِنْهُ إِلَّا امْتِنَانُكَ. اللَّهُمَّ رَبِّ

سلطنت تو برطرف نمی کند، و از آن جز احسان تو پناه نمی دهد، خدا یا، پروردگارا

فَابْتَرِ الظُّلْمَ، وَ بُتَّ جِبَالِ الْعِشْمِ، وَ أَخْمِدِ (أَخْمِلِ) سَوْقَ

ستم را قطع کن، و کوههای زورگویی را درهم کوب، و رونق بازار زشتی

الْمُنْكَرِ، وَاعِزَّنْ مَنْ عَنْهُ يَنْزَجِرُ، وَاحْصُدْ شَافَةَ أَهْلِ الْجَوْرِ،

را فرو نشان، کسی را که از زشتی جلوگیری می کند عزیز گردان، و بیخ و بن اهل ستم را درو کن،

وَ الْبِسْمُ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكُورِ؛ وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ إِلَيْهِمُ الْبَيَاتَ،

و به آنان لباس کاستی پس از فرونی بیوشان، خدا یا عذاب شبانه را نسبت به آنان پرشتاب کن،

وَ أَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمُثَلَاتِ، وَآمِتْ حَيَاةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ،

و بر آنان کیفرهای نمونه را فرود آر، زندگی زشتی را بمیران، تا بیمناک ایمنی یابد،

ادعیه الوسائل الی المنازل

وَيَسْكُنُ الْمَلْهُوفُ ، وَيَشْبَعُ الْجَائِعُ ، وَ يُحْفَظُ الضَّائِعُ ،

و دلسوخته آرام گیرد، و گرسنه سیر شود، و تباه حفظ گردد،

و يَأْوِي الطَّرِيدُ ، وَيَعُودُ الشَّرِيدُ ، وَ يُغْنَى الْفَقِيرُ ، وَ يُجَارَ

و آواره جای گیرد، و گریخته باز گردد، و تهی دست بی نیاز گردد، و پناه جو،

الْمُسْتَجِيرُ ، وَيُوقَّرُ الْكَبِيرُ ، وَيُرْحَمُ الصَّغِيرُ ، وَيُعَزَّى الْمَظْلُومُ ،

پناهنده شود، و بزرگ مورد احترام قرار گیرد، و کوچک مورد رحمت واقع شود، و ستم دیده عزیز گردد،

وَيُذَلَّ الظَّالِمُ ، وَيُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ ، وَ تَنْفَرَجَ الْغَمَاءُ ، وَ تَسْكُنَ

و ستمکار خوار شود، و غم غمیده برطرف گردد، و غمها گشوده شود، و آشوبهای تاریک

الدَّهْمَاءُ ، وَ يَمُوتَ الْإِخْتِلَافُ ، وَ يَعْلُو الْعِلْمُ ، وَ يَشْمُلُ السَّلَامُ ،

و سیاه آرام گردد، و اختلاف بمیرد، و دانش برتری یابد، و صلح فراگیر شود،

و يُجْمَعُ الشَّتَاتُ ، وَ يَقْوَى الْإِيمَانُ ، وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ ؛ إِنَّكَ أَنْتَ

و پراکنده ها گرد آید، و ایمان نیرومند گردد، و قرآن تلاوت شود، به درستی که تویی

الدَّيَّانُ الْمُنْعِمُ الْمَنَّانُ .

جزابخش، نعمت دهنده، بسیار احسان کننده

مناجات شکر خدا

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ ، وَ مُلِمَاتِ الضَّرَاءِ ،

خدایا تو را ستایش بر دفع مصیبتهای فرود آمده، و پیش آمدهای سخت،

وَ كَشَفِ نَوَائِبِ اللَّأْوَاءِ ، وَ تَوَالِي سُبُوحِ النِّعَمَاءِ ، وَ لَكَ الْحَمْدُ

و برطرف کردن دشواری های معیشت، و پی در پی بودن نعمتهای بسیار، و تو را ستایش

عَلَى هَنِيءِ عَطَائِكَ ، وَ مَحْمُودِ بَلَائِكَ ، وَ جَلِيلِ آيَاتِكَ ، وَ لَكَ

بر گوارای عطایت، و ستوده بلایت، و نعمتهای بزرگت، و تو را

الْحَمْدُ عَلَى إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ ، وَ خَيْرِكَ الْغَزِيرِ ، وَ تَكْلِيفِكَ

ستایش بر احسان بسیاری، و خیریزانت، و تکلیف

الْيَسِيرِ ، وَ دَفْعِ الْعَسِيرِ ؛ وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلَ

آسانت، و دفع دشواریات، و تو را سپاس بر رشد دادنت سپاس اندک،

ادعیہ الوسائل کے مسائل

الشُّكْرِ ، وَاعْطَائِكَ وَافِرِ الْأَجْرِ ، وَحَطِّكَ مُثْقَلِ الْوِزْرِ ،

و اعطا کردنت مزدی کامل، و فرو ریختنت بار سنگین گناه،

وَقَبُولِكَ ضَيِّقِ الْعُذْرِ ، وَوَضْعِكَ بَاهِضِ الْإِصْرِ ، وَتَسْهِيلِكَ

و پذیرفتنت عذر بی جا، و از دوش نهادنت بار گران تکلیف، و هموار کردنت

مَوْضِعِ الْوَعْرِ ، وَمَنْعِكَ مُفْظِعِ الْأَمْرِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلَاءِ

جایگاه ناهموار، و بازداشتنت از کار بسیار زشت، و تو را ستایش بر بلای

الْمَصْرُوفِ ، وَوَافِرِ الْمَعْرُوفِ ، وَدَفْعِ الْمَخَوْفِ ، وَإِذْلالِ الْعَسُوفِ ،

بازگردانده شده، و خوبی فراوان، و دور ساختن امور ترسناک، و رام کردن سخت ستمکار،

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى قِلَّةِ التَّكْلِيفِ ، وَكَثْرَةِ التَّخْفِيفِ ،

و تو را ستایش بر کمی تکلیف، و بسیاری تخفیف،

وَتَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ ، وَإِغَاثَةِ اللَّهِيفِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَعَةِ

و توان دهی ناتوان، و فریادرسی اندوهگین، و تو را ستایش بر فراخی

إِمهَالِكَ ، وَدَوَامِ إِفْضَالِكَ ، وَصَرْفِ إِحْمالِكَ ، وَحَمِيدِ

مهلت دادنت، و دوام فروزون بخشیت، و بازگرداندن کثرت، و ستوده

أَفْعَالِكَ ، وَتَوَالِي نَوَالِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ

کارهایت، و پیایی بودن عطایت، و تو را ستایش بر به تأخیر افکندن شتاب

الْعِقَابِ ، وَتَرْكِ مُغَافَصَةِ الْعَذَابِ ، وَتَسْهِيلِ طَرِيقِ الْمَتَابِ ،

در عقاب، و ترک غافلگیری در عذاب، و هموار کردن راه توبه،

وَأِنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ ؛ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ .

و فرود آوردن باران ابر، به درستی که تویی بسیار احسان کننده و پربخش

مناجات طلب حوائج

جَدِيرٌ مَنْ أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوكَ ، وَمَنْ وَعَدْتَهُ بِالْإِجَابَةِ

سزاوار است کسی که فرمان دعا به او دادی تو را بخواند، و کسی که وعده اجابت به او دادی

أَنْ يَرْجُوكَ ؛ وَلِيَّ اللَّهُمَّ حَاجَةً ، قَدْ عَجَزَتْ عَنْهَا حِيلَتِي ،

به تو امید بندد، برایم خدایا حاجتی است، که چاره‌ام از آن ناتوان شده،

حُجَابِ حَضْرَتِ اِمَامِ صَادِقٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ

وَكَلَّتْ فِيهَا طَاقَتِي ، وَ ضَعُفَ عَنْ مَرَامِهَا قُوَّتِي ، وَ سَوَّلَتْ لِي

و طاقتم در آن وامانده، و از طلبش نیرویم سست گشته،

نَفْسِي الْاِمَارَةَ بِالسَّوْءِ ، وَ عَدُوِّيَ الْغُرُورُ ، الَّذِي اَنَا مِنْهُ مَبْلُوءٌ

نفس اماره‌ام به بدی برایم آرایش نموده، و دشمنم، آن دشمن فریبایی که من از او در بلایم، از این که در آن حاجتم

(مُبْتَلًى) اَنْ اَرْغَبَ اِلَيْكَ فِيهَا . اَللّهُمَّ وَاَنْجِحْهَا بِاَيْمَنِ النَّجَاحِ ،

به سوی تو میل کنم، خدا یا آن را برآور، به مبارک‌ترین روا کردن،

وَاهِدِهَا سَبِيلَ الْفَلَاحِ ، وَاَشْرَحْ بِالرَّجَاءِ لِاسْعَافِكَ صَدْرِي ،

و هدایتش کن به راه رستگاری، و باز کن به امید یاریات سینه‌ام را،

وَ يَسِّرْ فِي اَسْبَابِ الْخَيْرِ اَمْرِي ، وَ صَوِّرْ اِلَيَّ الْفَوْزَ ، بِبُلُوغِ

و آسان کن در اسباب خیر کارم را، و برایم رستگاری را نقش بند، به رسیدن آنچه

مَا رَجَوْتُهُ ، بِالْوُصُولِ اِلَى مَا اَمَلْتُهُ ؛ وَ وَفَّقْنِي اَللّهُمَّ فِي

به آن امید بستم، با پیوستن آنچه آن را آرزو نمودم، و موفقم بدار خدا یا در

قَضَاءِ حَاجَتِي ، بِبُلُوغِ اُمْنِيَّتِي ، وَ تَصَدِيقِ رَغْبَتِي ؛ وَاَعِزَّنِي

بر آوردن حاجتم، به رسیدن به آرزویم، و درست درآمدن اشتیاقم، و پناهم ده

اَللّهُمَّ بِكَرَمِكَ ، مِنْ الْخَيْبَةِ وَالْقُنُوطِ ، وَالْاَنَانَةِ وَالتَّثْبِيطِ .

خدا یا به کرامت از ناامیدی و یأس و تنبلی و باز آمدن از کار،

اَللّهُمَّ اِنَّكَ مَلَىءٌ بِالْمَنَاحِ الْجَزِيلَةِ . وَفِيْهَا ، وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ

خدا یا تو توانا بر عنایت عطا‌های بسیاری و وفاکننده به آنهايي، و تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ، بِعِبَادِكَ خَيْرٌ بِصِيرٌ .

چیز توانایی، و به بندگانت آگاه و بینایی [دعای پرده نگاهبان]

هفدهم: حُجَابِ حَضْرَتِ صَادِقٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ:

يَا مَنْ اِذَا اسْتَعَذْتُ بِهٖ اَعَاذَنِي ، وَاِذَا اسْتَجَرْتُ بِهٖ عِنْدَ الشَّدَائِدِ

ای که زمانی که به او پناهنده شوم پناهم دهد، و گاهی که نزد سختی‌ها از او نجات خواهم،

اَجَارَنِي ، وَاِذَا اسْتَعَثْتُ بِهٖ عِنْدَ النَّوَائِبِ اَغَاثَنِي ، وَاِذَا

نجاتم بخشد، و زمانی که به گاه پیش آمده‌ها دادرسی خواهم به فریادم رسد، و زمانی که

اسْتَنْصَرْتُ بِهِ عَلَى عَدُوِّي نَصْرَنِي وَاعَانَنِي ، إِلَيْكَ الْمَفْزَعُ

برای پیروزی بر دشمنم از او یاری جویم یاری ام دهد و کمکم کند. پناهگاه تنها درگاه توست،

وَ أَنْتَ الثِّقَّةُ ، فَاقْصَعْ عَنِّي مَنَ ارَادَنِي ، وَاعْلِبْ لِي مَنَ كَادَنِي ؛ يَا

و تویی مورد اطمینان. کسی که مرا قصد سوء کرده از جانب من سرکوب کن، و غلبه کن به سود من بر کسی که نسبت

مَنْ قَالَ: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾ ؛ يَا مَنَ نَجَّيْ نَوْحًا

به من بداندیشی نموده، ای آن که فرمود: اگر خدا شما را یاری کند، غلبه کننده ای بر شما نخواهد بود. ای که نوح را

مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ، يَا مَنَ نَجَّيْ لَوْطًا مِّنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ، يَا

از گروه ستمکاران رهایی داد، ای که لوط را از گروه بدکاران رهانید، ای

مَنْ نَجَّيْ هُودًا مِّنَ الْقَوْمِ الْعَادِينَ ، يَا مَنَ نَجَّيْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

که هود را از گروه متجاوزان نجات داد، ای که محمد (درود خدا بر او

عَلَيْهِ وَآلِهِ، مِّنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، نَجِّنِي مِّنْ أَعْدَائِي وَأَعْدَائِكَ،

و خاندانش) را از گروه کافران نجات داد، مرا از دشمنانم و دشمنانت

بِأَسْمَائِكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، لَا سَبِيلَ لَهُمْ عَلَى مَن تَعَوَّذَ بِالْقُرْآنِ،

به حق نامهایت ای بخشنده مهربان نجات ده، راهی برای آنها نیست بر کسی که به قرآن پناهم برده،

وَاسْتَجَارَكَ بِالرَّحِمِ الرَّحْمَنِ؛ ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾؛

و از تو پناه جسته، به مهربان بخشنده. خدای بخشنده بر عرش چیرگی یافت،

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ؛ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ؛ وَهُوَ الْغَفُورُ

به یقین حمله پروردگارت سخت است، به درستی که او آغاز می کند، و باز می گرداند، و او آمرزنده و بسی

الْوَدُودُ؛ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدِ؛ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾؛ ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا

پر مهر است، دارای عرش باشکوه است، هر چه را بخواهد انجام دهد، پس اگر رو باز گردانند

فَقُلْ: حَسْبِيَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ

بگو: خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست بر او توکل کردم، و او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

عرش بزرگ است. [دعای پرده نگهدار]

هجدهم: حجاب موسی بن جعفر علیه السلام:

حجاب موسی بن جعفر امام حوٲ علیہ السلام

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَتَحَصَّنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ

توکل کردم بر زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و پناه جستم به دارای عزت

وَالْجَبْرُوتِ ، وَاسْتَعَنْتُ بِذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْمَلَكُوتِ ؛ مَوْلَايَ

و جبروت، و یاری جستم به دارنده کبریا و ملکوت، مولایم

اسْتَسَلَمْتُ إِلَيْكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذُلْنِي ،

خود را به تو واگذاشتم، پس مرا وامگذار، و بر تو توکل کردم، پس دست از یاری‌ام برمدار،

وَ لَجَأْتُ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ فَلَا تَطْرَحْنِي ؛ أَنْتَ الْمَطْلَبُ

و به سایه گسترده‌ات پناهنده شدم، پس به دورم مینداز، تویی مقصد و تنها

وَ إِلَيْكَ الْمَهْرَبُ ، تَعْلَمُ مَا أُخْفَى وَ مَا أُعْلِنُ ، وَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ

به سوی توست گریزگاه، می‌دانی آنچه را پنهان کنم و آنچه را آشکار نمایم و خیانت

الْأَعْيُنِ ، وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ ، فَأَمْسِكْ عَنِّي اللَّهُمَّ أَيْدِي

دیده‌ها و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند می‌دانی، از من بازدار اللهم دستهای

الظَّالِمِينَ ، مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ ، وَاشْفِنِي وَ عَافِنِي ؛

ستمکاران از همهٲ جنیان و آدمیان را، و مرا شفا ده، و عافیت بخش،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ای مهربان‌ترین مهربانان.

نوزدهم: حجاب حضرت جواد علیہ السلام :

الْخَالِقُ أَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ، وَ الرَّازِقُ أَبْسَطُ يَدًا مِنَ

آفریننده بزرگتر از آفریدگان است، و روزی‌دهنده دست بازتر از

الْمَرْزُوقِينَ ، وَ نَارُ اللَّهِ الْمُؤَصَّدَةُ فِي عَمَدٍ مُّمدَّدةٍ ، تَكِيدُ أَفِئْدَةَ

روزی‌خورهاست، و آتش در بسته خدا، در ستونهای کشیده شده، دلهای سرکشان

الْمُرْدَةِ ، وَ تَرْتَدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ ، بِالْأَقْسَامِ بِالْأَحْكَامِ ، بِاللُّوحِ

را آتش زند، و بداندیشی حسودان را بازگرداند، به سوگندها، به احکام، به لوح

الْمَحْفُوظِ ، وَالْحِجَابِ الْمَضْرُوبِ ، بِعَرْشِ رَبِّنَا الْعَظِيمِ احْتَجَبْتُ ،

محفوظ، و پرده زده شده، به عرش عظیم پروردگار، در پرده شدم،

دُعای شَدّت رزق

وَاسْتَرْتُ، وَاسْتَجَرْتُ وَاعْتَصَمْتُ وَتَحَصَّنْتُ، بِاَلَمْ (الف، لام،

و خود را پوشاندم، و پناه جستم، و چنگ زدم، و پناهنده گشتم به اَلَمْ

مِمْ)، وَبِكَهْيَعِص (کاف، هاء، یا، عین، صاد)، وَبِطَه (طا، ها)، وَ

به کهیعیص، به طه،

بِطِطِمْ (طا، سین، مِمْ)، وَبِحَمْ (حا، مِمْ)، وَبِحَمْعِمْ (حا، مِمْ، عین،

به طِطِمْ، به حم، به حمعِمْ،

سین، قاف)، وَن (نون)، وَبِطِمْ (طا، سین)، وَبِق (قاف) وَالْقُرْآنِ

و نون، به طِطِمْ، و ق و قرآن

الْمَجِيدِ، ﴿وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾، وَاللَّهُ وَلِيُّ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

مجید، به درستی که آن - اگر می دانستید - سوگند بزرگی است و خدا سرپرست من است و نیکو و کیلی است.

بیستم: از کتاب «تعبیر الرؤیا» نوشته شیخ کلینی نقل شده و شاء از

حضرت رضا علیه السلام روایت کرده: پدرم را در خواب دیدم فرمود:

فرزندم هرگاه در شدتی واقع شدی بسیار بگو: یا رَوْفُ یا رَحِمُ آنگاه

فرمود: آنچه ما در خواب می بینیم، چنان است که در بیداری می بینیم.

بیست و یکم: دعای رزق و غیره: نقل شده است از کتاب «مجتنی»،

نوشته سید ابن طاووس:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوْبِيْ لَمْ يَبْقَ لَهَا اِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ ، وَ قَدْ قَدَّمْتُ

خدایا برای گناهانم نمانده جز امید به گذشتت، و به تحقیق پیش فرستادم

آلَةَ الْحِرْمَانِ بَيْنَ يَدَيَّ ، فَانَا اَسْأَلُكَ مَا لَا اسْتَحِقُّهُ ،

ابزار محرومیت را پیش روی خویش، من از تو می خواهم آنچه را که شایسته اش نیستم،

وَ اَدْعُوْكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ ، وَ اَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ بِمَا لَا اسْتَأْهِلُهُ ،

و می خوانم آن گونه که سزاوارش نمی باشم، و به سویت می نالم آنچنان که شایسته اش نیستم،

وَ لَمْ يَخَفْ عَلَيْكَ حَالِي ، وَ اِنْ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ كُنْهُ مَعْرِفَةِ اَمْرِيْ .

حالم بر تو پوشیده نیست، گرچه حقیقت شناسایی کارم بر مردم پوشیده است.

دُعای شدت رزق

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ رِزْقِيْ فِي السَّمَاءِ فَاهْبِطْهُ، وَ اِنْ كَانَ فِي الْاَرْضِ

خدایا اگر روزی‌ام در آسمان است فرودش آور، و اگر در زمین است،

فَاظْهِرْهُ، وَ اِنْ كَانَ بَعِيْدًا فَقَرِّبْهُ، وَ اِنْ كَانَ قَرِيْبًا فَيَسِّرْهُ، وَ اِنْ

آشکارش کن، و اگر دور است نزدیکش فرما، و اگر نزدیک است، آسانش کن، و اگر

كَانَ قَلِيْلًا فَكَثِّرْهُ، وَ بَارِكْ لِيْ فِيْهِ.

اندک است بسیارش گردان، و برایم در آن برکت قرار ده.

بیست و دوم: دعای دفع شرّ ابلیس به نقل از «مُجْتَنِيْ»: اَللّٰهُمَّ

خدایا

اِنَّ ابْلِيْسَ عَبْدٌ مِنْ عَبِيْدِكَ، يَرَانِيْ مِنْ حَيْثُ لَا اَرَاهُ، وَ اَنْتَ

ابلیس بنده‌ای از بندگان توست، می‌بیند مرا از جایی که من او را نمی‌بینم، و تو

تَرَاهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاكَ، وَ اَنْتَ اَقْوٰى عَلٰى اَمْرِهٖ كُلِّهٖ، وَ هُوَ

می‌بینی او را، از جایی که او تو را نمی‌بیند، تو بر همه کارهایش نیرومندتری، و او

لَا يَقْوٰى عَلٰى شَيْءٍ مِنْ اَمْرِكَ. اَللّٰهُمَّ فَاَنَا اَسْتَعِيْنُ بِكَ عَلَيْهِ؛ يَا

بر چیزی از کار تو توانایی ندارد، خدایا من از تو علیه او کمک می‌خواهم، ای

رَبِّ فَاِنِّيْ لَا طَاقَةَ لِيْ بِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ لِيْ عَلَيْهِ اِلَّا بِكَ؛ يَا

پروردگارم، برای من نسبت به او طاقتی نیست، جنبش و نیرویی علیه او برایم نمی‌باشد جز به یاری تو

رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنْ اَرَادَنِيْ فَاَرِدْهُ، وَ اِنْ كَادَنِيْ فَكِدْهُ، وَ اَكْفِنِيْ شَرَّهُ،

ای پروردگارم، خدایا اگر قصد مرا کرده قصدش کن، اگر نسبت به من بداندیشی کرده، نسبت به او بداندیشی کن،

وَ اجْعَلْ كِيْدَهُ فِيْ نَحْرِهِ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ؛ وَ صَلَّی

مرا از شرش کفایت کن، و نقشه شومش را در گلویش قرار ده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود

اَللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ الطَّاهِرِيْنَ.

خدا بر محمد و خاندان پاکش.

بیست و سوم: و نیز در کتاب «مُجْتَنِيْ» آمده: شخصی

پیامبر ﷺ را در خواب دید، به آن حضرت گفت: به من

دعایی تعلیم ده که دلم را زنده کند، حضرت این کلمات را

دُعای شدتِ رزق

تعلیم او فرمود: یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، یا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُحْیِ قَلْبِی. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

بیست و چهارم: از رسول خدا ﷺ نقل شده: هر که بخواهد مرگش به تأخیر افتد، و بر دشمنانش پیروز شود، و از مردن بد در امان بماند، سه مرتبه هنگام فرارسیدن شب، و سه مرتبه هنگام فرارسیدن صبح بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ مِْلَاءَ الْمِيزَانِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرِّضَا، وَزِنَةَ الْعَرْشِ.

بیست و پنجم: از کتاب «نثر اللّٰثالی» تألیف سیّد سعید علی بن فضل الله الحسینی راوندی نقل شده: مردی به حضرت عیسیٰ علیہ السلام از بدهی خود شکایت کرد، حضرت فرمود، بگو:

اَللّٰهُمَّ یا فَارِجَ الْهَمِّ، وَمُنْفِیَّ الْغَمِّ، وَمُذْهِبَ الْاِحْزَانِ،

ای زدااینده اندوه، و برطرف کننده غم، و از بین برنده غصّه‌ها،

و مُجِیْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّیْنَ ؛ یا رَحْمَنَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ

و اجابت کننده دعای بیچارگان، ای بخشنده دنیا و آخرت،

وَ رَحِیْمَهُمَا، أَنْتَ رَحْمَنُی وَ رَحْمَنُ كُلِّ شَیْءٍ، فَارْحَمْنِی

و مهربان هر دو جهان، تو بخشنده منی، و بخشنده هر چیزی، به من رحم کن،

رَحْمَةً تُغْنِیْنِیْ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، وَ تَقْضِیْ بِهَا عَنِّی

رحمی که به آن از رحم هر که غیر تو است بی‌نیازم کند، و ادا کنی به آن

دُعای شدت رزق

الدَّيْنِ. پس هرگاه به اندازه پُری زمین طلا بدهکار باشی،

بدهکاری ام را.

حق تعالی از تو ادا می کند.

باب ششم

در بیان خواص بعضی از سوره ها و آیات و ذکر بعضی از دعاء و مطالب برگزیده

و آن مشتمل بر چهل امر است، اوّل: شیخ کلینی در کتاب «کافی»، از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هر که پیش از خواب «مُسَبِّحات» را بخواند، (یعنی سوره های حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی) نمیرد تا حضرت قائم را درک کند، و اگر بمیرد در جوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود. دوّم: و در آن کتاب آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که چهار آیه از اول سوره بقره، و آیه الكرّسی، و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند، در جان و مال خود چیزی را که ناخوشایند او باشد نبیند، و شیطان به او نزدیک نگردد، و قرآن را فراموش نکند. سوّم: و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هر که سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را بخواند، و صدایش را به آن بلند کند، مانند کسی باشد، که شمشیر از نیام برکشیده، و در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند همانند کسی باشد که در راه خدا در خون خود طپیده، و کسی که ده مرتبه بخواند، هزار گناه از

خواص بعضی از سوره ها و آیات

گناهانش را محو کند. چهارم: شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: پدرم می فرمود: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثلث قرآن، و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ربع قرآن است. پنجم: از موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده: هر که هنگام خواب آیه الكرسي را بخواند، از مبتلا شدن به فلج اندام نترسد ان شاء الله، و کسی که آن را پس از هر فریضه بخواند، هیچ حیوان زهر آلودی به او زیان نرساند و نیز فرمود: کسی که «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را هنگام دیدار شخص جبّاری بخواند، حق تعالی شرّ وی را از او بازدارد، با خواندن آن سوره، از پیش رو، و پشت سر و طرف راست و طرف چپ، که هرگاه چنین کند حق تعالی خیر وی را روزی او کند و او را از شرّ آن جبّار بازدارد، و نیز فرمود: هرگاه از امری ترسیدی صد آیه قرآن، از هر جای قرآن که باشد بخوان، سپس سه مرتبه بگو: اَللّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ، ششم: شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، خواندن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را پس از فریضه و انگذارد، به یقین کسی که آن را بخواند، حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع کند، و او و پدر و مادر و اولادش را بیامرزد. هفتم: و از آن حضرت روایت کرده: هر که سوره «الْهَاقُمُ التَّكْوِيْنُ» را

خواص بعضی از سوره ها و آیات

هنگام خواب بخواند، از عذاب قبر در امان باشد. هشتم:
و از آن حضرت روایت کرده: اگر سوره حمد هفتاد مرتبه
بر مرده خوانده شود، و روح به او بازگردانده شود شگفت
نخواهد بود. نهم: از موسی بن جعفر علیه السلام فضیلت بسیاری
وارد شده: برای کودکی که در هر شب سه مرتبه
﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و سه مرتبه ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و صد مرتبه
﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ بخواند، و اگر نتواند پنجاه مرتبه، و هرگاه
به آن مواظبت داشته باشد، از بلاها ایمن باشد تا روزی
که از دنیا برود. دهم: کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده: به مفضل فرمود: ای مفضل بازدار، و ایمن بدار
خود را از تمام مردم با ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و سوره ﴿قُلْ هُوَ
اللَّهُ أَحَدٌ﴾، که آن را بخوانی از طرف راست و چپ، و از
پیش رو، و پشت سر، و از بالای سر و پایین پای خود،
و هرگاه بر پادشاه ستمگری وارد شدی، هنگامی که به او
نظر کنی سه مرتبه آن را بخوان، و با دست چپ خود بشمار
و دست را به همان حال، که انگشتان را جمع کرده‌ای برای
شماره نگاهدار تا از نزد او بیرون روی، و بعضی گفته‌اند:
خواندن سوره را ترک نکن تا از پیش او بروی. یازدهم:
در حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده: برای ایمنی از

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

سوختن و غرق شدن بخواند:

﴿اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ، وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾. ﴿وَمَا قَدَرُوا

خدا است که قرآن را نازل کرد، و او سرپرستی می کند شایستگان را، آن طور که باید خدا را

اللَّهُ حَقَّ قَدْرِهِ، وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

قدر ندانستند، و زمین در قیامت به تمام دست اوست،

وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا

و آسمانها در نور دیده به قدرت اوست، منزّه است و برتر از آنچه

يُشْرِكُونَ﴾. و برای رام شدن اسب سرکش، در گوش

شریکش سازند.

راستش بخوانند: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

طَوْعًا وَكَرْهًا، وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾. و در زمین مسبوعه یعنی زمینی

که جانوران درنده داشته باشد برای ایمنی از آنها بخواند:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ، غَزِيْرٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ،

به تحقیق آمد برای شما پیامبری از جنس خودتان، بر او ناگوار است آنچه شما را به زحمت اندازد، بر راهنمایی تان

حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾؛ ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ:

حریص است، به مؤمنان مهربور و مهربان است، اگر پشت کردند بگو

حَسْبِيَ اللَّهُ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش

الْعَظِيمِ﴾. و برای پیدا شدن گمشده، سوره یس را در دو رکعت

بزرگ است.

نماز بخواند و بگوید: يَا هَادِيَ الضَّالَّةِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي. و برای

باز گشت بنده فراری بخواند: ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَجْرٍ لُّجِّيٍّ ،
يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ﴾ تا ﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نَوْراً
فَمَا لَهُ مِنْ نَوْرٍ﴾.

و برای ایمنی از دزد وقتی که به رختخواب می رود بخواند:

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ﴾ تا ﴿وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً﴾.

دوازدهم: نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: از قرائت إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ملول نشوید، زیرا هر که این سوره را در نمازهای مستحب خود بخواند حق تعالی هرگز بر او زلزله نرساند، و با زلزله نمیرد، و به صاعقه و آفتی از آفات دنیا دچار مرگ نشود، و در وقت مردن او فرشته‌ای بزرگوار از نزد حق تعالی بر او نازل گردد، و بالای سر او بنشیند و بگوید: «ای ملک الموت نسبت به ولی الله نرمی و مدارا داشته باش، زیرا او بسیار مرا یاد می کرد» تا آخر خبر، و در آخر خبر آمده است: پرده از پیش چشمش برداشته شود، و منازل خود را در بهشت ببیند. و به نرم‌ترین صورت قبض روح شود، و روح او را هفتاد هزار فرشته مشایعت کنند، که به سوی بهشت بالا ببرند.

سیزدهم: و نیز کلینی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: «سوره مُلک بازدارنده است، از عذاب قبر بازدارد ...» تا آخر خبر.

چهاردهم: و نیز از آن حضرت روایت شده: قرآنی در دریا افتاد، چون آن را یافتند دیدند همه کلماتش پاک شده بود جز این آیه کریمه: ﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾.

پانزدهم: شیخ کلینی از زراره روایت کرده: قرآن را در ثلث دوم ماه رمضان بر می داری و می گشایی و روبروی خود می گذاری و می گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ ، وَ مَا فِیْهِ ، وَ فِیْهِ اسْمُكَ الْاَعْظَمُ الْاَكْبَرُ ، وَ اَسْمَاؤُكَ الْحُسْنٰی ، وَ مَا یُخَافُ وَ یُرْجٰی ، اَنْ تَجْعَلَنیْ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ ؛ و دعا می کنی به آنچه حاجت داری.

شانزدهم: شیخ کفعمی در کتاب «مصباح» و محدث فیض در خلاصه الاذکار فرموده: در بعضی از کتب اصحاب امامیه دیدم، هر که خواسته باشد یکی از پیامبران و امامان یا یکی از مردمان، یا والدین خود را، در خواب ببیند

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

سوره‌های شمس و لیل و قدر و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾، و سوره اخلاص و مُعَوِّذَتین [ناس و فلق] را بخواند، سپس صد مرتبه سوره اخلاص را بخواند، و بر پیامبر و خاندانش صد مرتبه صلوات بفرستد، و با وضو به طرف راست بخوابد، هر که را اراده کرده ان شاء الله خواهد دید و با او هر چه بخواند سخن خواهد گفت. و در نسخه دیگری دیدم که این عمل را در هفت شب بجا آورد، پس از آن که این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَوْصَفُ ، وَالْاِيْمَانُ يُعْرِفُ مِنْهُ ،

خدا یا تو زنده‌ای هستی که وصف نشود، و ایمان از او باز شناخته شود،

مِنْكَ بَدَتِ الْأَشْيَاءُ ، وَ إِلَيْكَ تَعُوذُ ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتُ

چیزها از تو آغاز شد، و به سوی تو باز می‌گردد، پس آنچه از آنها روی به تو کرد،

مَلَجَآمُ وَ مَنجَاهُ ، وَ مَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلَجَآمٌ ،

تو پناهگاه و جای نجاتش بودی، و آنچه از آنها از تو باز گشت،

وَ لَا مَنجَیْ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ ، فَاسْأَلْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، وَ أَسْأَلُكَ

برایش پناهگاهی و جای نجاتی، از تو جز به سوی تو نیست، از تو می‌خواهم به حق «لا اله الا انت» و از تو می‌خواهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، وَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

به حق بسم الله الرحمن الرحيم و به حق حبیب محمد (درود خدا بر او

عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، سَيِّدِ النَّبِيِّينَ ، وَ بِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ ،

و خاندانش) سرور پیامبران، و به حق علی بهترین جانشینان،

وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ،

و به حق فاطمه سرور بانوان جهانیان، و به حق حسن و حسین

الَّذِينَ جَعَلَهُمَا سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ

که هر دو را آقای جوانان اهل بهشت قرار دادی (که بر همه آنان درود

السَّلَامُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرِنِّي مَيِّتِي فِي

و نشان دهی مرده‌ام را در

اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی،

و سلام

الحالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا.

آن حالی که او در آن است.

هفدهم: و نیز در کتاب «خلاصه» آمده است به نقل از برخی کتابها که یافتم در کتاب الآداب الحميدة تألیف محمد بن جریر طبری که حارث بن روح، از پدرش و او از جدش نقل کرده: به فرزندان خود گفت: هرگاه امری شما را اندوهگین ساخت پس شب را به سر نیاورد مگر در حالی که پاک باشد، و رختخواب و رو اندازش پاک باشد، و زنی با او نباشد، پس بخواند هفت مرتبه: والشمس، و هفت مرتبه: واللیل. سپس بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي هَذَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا. هرگاه این عمل را بجا آورد، شخصی در همان شب، یا شب سوم، یا پنجم، و گمان می‌کنم گفت: یا در شب هفتم در خواب او بیاید، و راه بیرون شدن از آن غصّه و اندوه را برای او بگوید. فقیر گوید: بعضی گفته‌اند: سوره‌های الضحی و الم نشرح را نیز بخواند. و در کتاب الجواهر المنشوره آمده است: کسی که بخواهد مطلب خود را در خواب ببیند به وقت

بعضی از دُعا و مطالب متفرقه

خوابیدن هریک از این سوره‌ها را هفت مرتبه بخواند، سوره‌های والشمس، واللیل والتین، اخلاص، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس، و با طهارت در مکان پاکی، در جامه پاکی رو به قبله بر دست راست بخوابد، همانند مرده‌ای که در قبر گذاشته می‌شود، و مطلب خود را نیت کند اگر در شب اول ندید، در شبهای بعد خواهد دید، و از هفت شب تجاوز نمی‌کند، گفته شده این مطلب مجرب [یعنی تجربه شده] است. هجدهم: در خلاصة الاذکار از حضرت زهرا علیها السلام روایت شده: رسول خدا بر من وارد شد، وقتی که بستر خود را پهن کرده بودم و قصد خوابیدن داشتم فرمود: ای فاطمه خواب مگر اینکه چهار عمل بجا آوری: ختم قرآن کنی، و پیامبران را شفعای خود سازی، و اهل ایمان را از خود خشنود کنی، و حج و عمره بجا آوری، این را فرمود و وارد نماز شد، من ایستادم تا نمازش را تمام کرد، گفتم یا رسول الله به چهار چیز امر فرمودی، که من در این وقت قدرت بجا آوردن آن را ندارم، حضرت تبسم کرد و فرمود: هرگاه سوره توحید را سه مرتبه بخوانی گویا ختم قرآن کرده‌ای، و هرگاه به من و پیامبران پیش از من صلوات فرستی ما شفیعان تو در روز قیامت خواهیم بود، و هرگاه

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

برای اهل ایمان استغفار کنی، تمامی آنها از تو خشنود می شوند. و هرگاه بگویی: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،**

وَاللَّهُ أَكْبَرُ، حجّ و عمره کرده ای. مؤلف گوید:

کفعمی نقل کرده: هر کس هنگام خواب سه مرتبه بگوید:

يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ، وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ، مانند این

است که هزار رکعت نماز بجا آورده باشد.

نوزدهم: و نیز در خلاصه الاذکار آمده وقت مطالعه بخواند:

اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ، وَ أَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ.

خدایا مرا بیرون آور از تاریکی های وهم، و به نور فهم گرامی ام بدار،

اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ

خدایا درهای رحمت را به روی ما بگشا، و خزانه های علومت را

عُلُومِكَ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بر ما باز کن به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

بیستم: روایت شده: شخصی خدمت حضرت جواد علیه السلام

نوشت: قرض بسیار دارم، حضرت نوشتند: بسیار استغفار کن

و زبانت را به خواندن سوره: انا انزلناه، تربدار. بیست و یکم: در

حدیث است: مفضل به حضرت صادق علیه السلام از تنگی نفس

شکایت کرد و گفت: اندکی که راه می‌روم نفسم تنگ می‌شود، به این خاطر می‌نشینم. حضرت فرمود: بول شتر بخور تا آرام شود. در حدیث دیگری آمده: شخصی به آن حضرت از سرفه شکایت کرد. فرمود: مقداری آنجودان رومی با همان مقدار از نبات بکوب و یک روز یا دو روز بخور، آن شخص گفت: یک مرتبه خوردم برطرف شد. بیست و دوم: از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده: حضرت عیسی علیه السلام به شهری رسیدند دیدند مردم آن شهر صورتشان زرد، و چشمانشان کبود شده است، و از بسیاری بیماری به آن حضرت شکایت کردند. ایشان فرمود: شما گوشت را نشسته می‌پزید، و هیچ حیوانی از دنیا بیرون نمی‌رود مگر آن که جنابتی با او هست، پس از آن گوشت را پیش از پختن شستند، بیماریشان برطرف شد. و حضرت عیسی علیه السلام به شهر دیگری رسیدند که دندانهای مردمشان ریخته بود و صورت‌هایشان ورم کرده بود. فرمود: هنگام خواب دهانتان را باز کنید و بر هم مگذارید، چنان کردند، علتها از ایشان زایل شد. بیست و سوم: از حضرت باقر علیه السلام نقل شده: چون کسی از صاحبان بلا را بینی آهسته که او نشود سه مرتبه بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا

اِبْتَلَاكَ بِهِ، وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ.

هر که چنین کند هرگز آن بلا به او نرسد. و در روایت دیگری آمده: بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ، وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ،
وَعَلَى كَثِيرٍ مِّنْ خَلْقٍ.

بیست و چهارم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: هرگاه زنی باردار باشد، و چهار ماه بر او بگذرد، روی او را به قبله کن و آیه الکرسی بخوان، و دست بر پهلوی او بگذار و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدَسَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا؛ چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند، پس اگر او را به نام محمد نامگذاری کند مبارک باشد، و اگر نام نکند، خدا اگر خواهد از او بگیرد، و اگر بخواهد به او ببخشد. بیست و پنجم: روایت شده: وقت کشتن گوسفند عقیقه [گوسفندی که برای نوزاد قربانی می کنند] این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ . اَللّٰهُمَّ عَقِیْقَةً عَنْ فُلَانٍ (نام او را بگوید)
لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ، وَ دَمُهَا بِدَمِهِ، وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ . اَللّٰهُمَّ

اجعلها وقاءً لآلِ مُحَمَّدٍ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

و در حدیث دیگری فرمود که این دعا را بخواند: ﴿یا قوم، ای قوم

إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ. إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ
از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید بیزارم، من متوجه نمودم رویم را به جانب کسی که

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، حَنِيفًا مُسْلِمًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.﴾
آسمانها و زمین را آفرید با خلوص و از سر تسلیم، و من از شرک و رزان نیستم.

﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
به درستی که نمازم و عبادتم و زندگی‌ام و مرگم برای خداست، پروردگار جهانیان،

لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ﴾، وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اَللّهُمَّ
شریکی ندارد، به این حقیقت امر شدم و من از مسلمانانم، خدایا

مِنْكَ وَلَكَ؛ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى
از تو و برای تو، به نام تو و به تو، و خدا بزرگ‌تر است، خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، وَنَامَ فِرْزَنْدَا
محمد و خاندان محمد، و از فلان فرزند فلان بپذیر

بگوید سپس ذبح کند.

علامه مجلسی در حلیۃ المتّقین فرموده: بدان که عقیقه فرزند مستحب موکّد است، برای کسی که قادر بر آن باشد، و بعضی از علما واجب می‌دانند، و بهتر است روز هفتم واقع شود، و اگر تا بلوغ طفل تأخیر کند بر پدر مستحبّ است، و پس از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحبّ است. و در احادیث معتبر بسیاری وارد شده: عقیقه بر کسی که دارای

فرزند شود واجب است. و در احادیث بسیاری نقل شده: هر فرزندی در گرو عقیقه است، یعنی اگر انجام نگیرد، در معرض مردن و انواع بلاهاست. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: عقیقه بر کسی که توانگر باشد لازم است، و کسی که تهی دست است پس از توانگری انجام دهد، اگر هم توانگر نشد بر او تکلیفی نیست و اگر برای او عقیقه نکنند، تا زمانی برای او قربانی کنند، قربانی از عقیقه کفایت می کند. در حدیث دیگری نقل شده: از آن حضرت پرسیدند: ما برای عقیقه دنبال گوسفند رفتیم ولی نیافتیم، چه می فرمایید قیمتش را تصدّق کنیم؟ فرمود: طلب کنید تا بیابید. خدا خوراندن طعام و ریختن خون را دوست دارد. در حدیث دیگری آمده: پرسیدند آیا فرزندی که در روز هفتم بمیرد، می باید عقیقه اش کرد؟ فرمود: اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد، و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه کنند. در حدیث معتبری از عمر بن یزید نقل شده: خدمت آن حضرت عرض کرد: نمی دانم پدرم برای من عقیقه کرده یا نه؟ فرمود: عقیقه کن. پس او در پیری عقیقه کرد. در حدیث حسن از آن حضرت نقل شده: فرزند را در روز هفتم ولادت نام می گذارند و عقیقه می کنند، و سر می تراشند، و موی سرش را با نقره وزن

در بیان عقیقه

می‌کنند، و آن نقره را تصدق می‌دهند، و پای و ران عقیقه را برای قابله‌ای که در زایمان زن کمک کرده می‌فرستند. و باقی را به مردم اطعام می‌کنند و تصدق می‌دهند. در حدیث موثق دیگری فرمود: هرگاه پسری، یا دختری برای تو متولد شود، در روز هفتم گوسفندی یا شتری عقیقه می‌کنی، و او را نامگذاری کن، و سرش را در روز هفتم بتراش، و به سنگینی موی سرش طلا یا نقره تصدق بده. در حدیث دیگری وارد شده: ربع گوسفند را به قابله می‌دهد، و اگر بی‌قابله زایمان کرده آن را به مادر می‌دهد، که به هر که خواست ببخشد، و دست کم به ده مسلمان بخوراند، و هرچه زیادت باشد بهتر است، و خود از گوشت عقیقه نخورد، و اگر قابله زنی یهودی باشد قیمت ربع گوشت گوسفند را به او بدهد. و در روایت دیگری وارد شده: به قابله ثلث گوسفند را می‌دهند، و مشهور میان علما آن است که باید عقیقه شتر یا گوسفند یا بز باشد. از حضرت باقر علیه السلام نقل شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز ولادت در گوش حسنین علیهما السلام اذان گفتند و حضرت فاطمه علیها السلام روز هفتم برای آنان عقیقه کرد، و پای گوسفند را با یک اشرفی به قابله دادند. عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا در شش یا

بیشتر باشد، و اگر بز یک سال یا در دو یا بیشتر، و اگر گوسفند باشد دست کم شش ماهه یا در هفت ماه باشد، و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است، و باید بیضه‌اش را نکشیده باشند، و نیز بهتر آن است که آن را نکوبیده باشند، و باید مغز شاخش شکسته، و گوشش بریده، و زیاد لاغر، و کور و بسیار لنگ که راه رفتن برایش دشوار باشد، نباشد. اما در حدیث معتبری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: عقیقه از باب قربانی نیست، هر گوسفندی که باشد خوب است. هدف گوشت است هرچه فربه‌تر باشد بهتر است. و مشهور میان علما آن است که مستحب است عقیقه پسر نر باشد، و عقیقه دختر ماده، و گمان فقیر این است که برای هر دو موافق بسیاری از احادیث معتبر گوسفند نر بهتر است و برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است. و مستحب است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند، بلکه بهتر آن است، از طعامی که در آن پخته باشند نیز نخورند، و خوردن مادر کراهتش بیشتر است. و بهتر این است که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می‌باشند، از آن گوشت و طعام نخورند، و مستحب است بپزند، و خام تصدق نکنند، و کمترینش آن است که با آب نمک بپزند، بلکه

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

احتمال دارد این گونه پختن بهتر باشد، و اگر خام هم تصدّق کنند خوب است، و اگر حیوان عقیقه پیدا نشود، تصدّق قیمتش فایده‌ای ندارد، بلکه باید صبر کنند تا پیدا شود، و شرط نیست جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می‌شوند فقیر باشند، اما خوراندن به صالحان و فقرا بهتر است، انتهى. فقیر گوید: مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است، و روایت: **يُكْسَرُ عَظْمُهَا، وَ يُقَطَّعُ**

استخوانش شکسته شود، و گوشتش

لَحْمُهَا، وَ تَصْنَعُ بِهَا بَعْدَ الذَّبْحِ مَا شِئْتَ، منافات با کراهت بریده گردد، و پس از ذبح آنچه خواهی انجام می‌دهی.

ندارد. صاحب جواهر فرموده: اما آنچه بین مردم عراق مشهور شده که پیچیدن استخوانهای آن، در پارچه‌ای سپید و دفن کردن آن مستحبّ است نصّی بر آن نیافتم، و الله العالم بیست و ششم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: وقت ختنه کردن پسر این دعا را بخوانند، و اگر در آن وقت میسر نشود، تا بلوغ طفل هر وقت میسر گردد، بر آن طفل بخوانند، که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع می‌کند و دعا این است:

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ ، وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

خدایا این روش تو، و روش پیامبر توست (درود تو بر او و خاندانش)،

وَاتَّبَاعُ مِنْا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ ، بِمَشِيَّتِكَ وَبِارَادَتِكَ ، وَقَضَائِكَ

و پیروی ماست از تو و از پیامبرت به مشیت و اراده و حکمت. برای کاری که

لَا مِرَّ اَرَدْتَهُ ، وَقَضَاءِ حَتَمْتَهُ ، وَ اَمْرِ اَنْفَذْتَهُ ، وَ اَذَقْتَهُ حَرَّ

اراده فرمودی، و حکمی که حتم نمودی، و امری که اجرا کردی، و چشاندی به او سوزش

الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَ حِجَامَتِهِ ، بِاَمْرِ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنِّي . اَللّٰهُمَّ

آهن در ختنه و حجامتش، به کاری که تو به آن داناتر از منی،

فَطَهَّرَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَ زِدْ فِي عُمُرِهِ ، وَ اَدْفَعْ الْاَفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ ،

پس او را از گناهان پاک کن، و بر عمرش بیفزای، و آفات را از بدنش دور کن،

وَالْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ ، وَ زِدْهُ مِنَ الْغِنَى ، وَ اَدْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ ؛

و دردها را از جسمش بزدای، و بر توانگری اش اضافه کن، و تهی دستی را از او برطرف نما،

فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ .

به درستی که تو می دانی و ما نمی دانیم.

بیست و هفتم: سید ابن طاووس از دعوات خطیب مستغفری

نقل کرده : او از رسول خدا ﷺ روایت نموده است که

هرگاه خواستی به کتاب خدا تَقَالَ [فال نیک زدن] بزنی،

سوره اخلاص را سه مرتبه بخوان، سپس سه مرتبه بر

پیامبر و آلش صلوات فرست، پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَقَالَتُ

خدایا من تَقَالَ زدم

بكِتَابِكَ ، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَیْكَ ، فَارِنِ مِنْ كِتَابِكَ ، مَا هُوَ مَكْتُومٌ

به کتاب تو، و بر تو توکل نمودم، آنچه از رازت در غیب تو پنهان است،

مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ فِي غَيْبِكَ؛ پس باز کن جامع را یعنی

از کتاب خود به من بنمایان،

بعضی از دُعا و مطالب متفرقه

قرآنی که جامع تمام سوره‌ها و آیات باشد، و بگیر فال را از خط اول از جانب اول بی آنکه اوراق و سطور را بشماری. و بدان که علامه مجلسی از برخی نوشته‌های اصحاب از خط شیخ یوسف قطیفی نقل کرده، و او از خط آیت الله علامه، که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرگاه اراده کردی از کتاب عزیز استخاره کنی بعد از بسم الله بگو:

إِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ وَقْدَرِكَ، أَنْ تَمُنَّ عَلَى شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

اگر در قضا و قدرت این است که بر شیعه خاندان محمد

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بَفَرَجِ وَلِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، فَأَخْرِجْ

(درود بر ایشان) به فرج ولی‌ات، و حجت بر بندگان منت بگذاری، از کتاب خود

إِلَيْنَا آيَةً مِنْ كِتَابِكَ، نَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى ذَلِكَ.

آیه‌ای برای ما بیرون آور، که به آن بر این کار راه یابیم.

پس مصحف شریف را می‌گشایی، و شش ورق می‌شماری، و از ورق هفتم شش سطر می‌شماری، و در آن نظر می‌کنی و مطلب را بیرون می‌آوری. و شیخ شهید رحمته الله در کتاب «ذکرى» فرموده: از جمله استخاره‌ها، استخاره به عدد است، و این در روزگار گذشته، پیش از زمان سید کبیر عابد رضی الدین محمد بن محمد الآوئ الحسینی، مجاور مشهد غروی رحمته الله مشهور نبوده، و ما روایت می‌کنیم این استخاره را با جمیع مرویات او، از جماعتی از مشایخ خودمان،

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

از شیخ کبیر فاضل جمال الدین بن المطهر از والدش رحمته الله
از سید رضی الدین مذکور، از حضرت صاحب الامر
علیه الصّلاة و السّلام: می خوانی فاتحه را ده مرتبه،
و کمترینش سه مرتبه، و کمتر از آن یک مرتبه،
سپس می خوانی سوره قدر را ده مرتبه، سپس این دعا
را سه مرتبه می خوانی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ**

خدایا من از تو درخواست خیر می کنم، برای آگاهی ات به عاقبت

الْأُمُورِ، وَ أَسْتَشِيرُكَ لِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ، فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ.

کارها، و با تو مشورت می کنم برای خوش گمانی ام به تو در آنچه مورد آرزو و بیم است،

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي، مِمَّا قَدْنِيطُ بِالْبَرَكَةِ إِعْجَازُهُ

خدایا اگر کار فلانی از آنهایی است که آغاز و انجامش به برکت

وَبَوَادِيهِ، وَ حُفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَ لَيَالِيهِ، فَخِرْ لِي اللَّهُمَّ

بسته شده، و روزها و شبهایش به کرامت پیچیده گشته، پس برایم اختیار کن، خدایا

فِيهِ، خَيْرَةٌ تَرُدُّ شَمْسَهُ ذُلُولًا، وَ تَقْعُصُ أَيَّامَهُ سُورًا. اللَّهُمَّ

در آن خیری باشد، که سختی اش را سهل و نرم کنی، و روزهایش را به شادمانی بازگردانی، خدایا

إِمَّا أَمْرٌ فَائْتِمِرْ، وَ إِمَّا نَهْيٌ فَانْتَهِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ

اگر دستور است انجامش دهم، اگر نهی است، خودداری نمایم، خدایا به رحمت

بِرَحْمَتِكَ، خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةٍ؛

خیر جویی می کنم خیری در عافیت

پس یک قبضه از تسبیح را می گیری، و حاجت خود را نیت

می کنی، اگر عدد آن قبضه جفت است پس آن «افعل»

است، یعنی انجام بده، و اگر طاق است «لا تفعل» است یعنی

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

انجام نده، یا به عکس یعنی طاق خوب است و جفت بد، و این بسته به قصد استخاره کننده دارد. فقیر گوید: تَقَعُّضُ [در متن عربی دعای استخاره] به ضاد معجمه یعنی تَرُدُّ و تَعَطُّفٌ. و ما در باب نمازها، استخاره ذات الرِّقَاع، و بعضی از اقسام استخاره و ساعات آن را ذکر کردیم، به آنجا رجوع شود. و بدان که سیّد ابن طاووس کلامی فرموده که حاصلش این است: من حدیث صریحی نیافتم که انسان برای غیر خود استخاره کند، ولی یافتم احادیث بسیاری را که در آنها امر شده بر قضای حاجت برادران به دعاها و سایر توسّلات، بلکه در اخبار از فواید دعا برای برادران چندان ذکر شده که محتاج به بیان نیست، و استخاره نیز از جمله حاجات، و از جمله دعوات است، زیرا شخصی که انسان را تکلیف به استخاره می‌کند، به طور حتم حاجتی برایش پیش آمده و آن شخصی که مباشر استخاره می‌شود می‌خواهد برای خود استخاره کند که آیا صلاح است که به او بگوید انجام بده یا نه، و می‌خواهد برای آن شخص که به او گفته استخاره کند، آیا مصلحت در فعل است یا در ترک، و این از چیزهایی است که داخل است در تحت عموم روایات ناظر به استخارات و قضای

حاجات. علامه مجلسی فرموده: کلام سید در جواز استخاره برای غیر، خالی از قوّت نیست به جهت عمومات [یعنی تعبیر عامّ وارد در روایات برای رفع حاجت برادران دینی]، به خصوص وقتی که نایب برای خود قصد کند که به شخص طالب استخاره بگوید: انجام بده یا نده، چنان که سید به آن اشاره فرموده، و این نقشه‌ای است برای داخل کردن استخاره در تحت اخبار خاصّه، لیکن احوط و اولی آن است که صاحب حاجت خودش برای خود استخاره کند، زیرا ما خبری که در جواز و کالت در استخاره وارد شده باشد، ندیدیم، و اگر این کار جایز یا راجح می‌بود، به طور قطع اصحاب از ائمه سؤال می‌کردند، و اگر سؤال کرده بودند برای ما دست کم در یک روایت، نقل می‌شد، به علاوه اینکه شخص مضطر خود اولی به اجابت، و دعای او اقرب به خلوص نیت است، انتهى.

بیست و هشتم: از رسول خدا ﷺ نقل شده: هر کس یهود، یا ترسا [مسیحی]، یا گبری [مجوسی] را ببیند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ، بِالإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَبِعَلِيِّ إِمَامًا، وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا،

و بِالْكَعْبَةِ قِبَلَةً؛ خدای تعالی میان او و آن کافر در دوزخ جمع نکند.

مؤلف گوید: از آیات و اخبار بسیاری استفاده می شود که مسلمان باید از دوستی با کفار و محبت و میل و تشبه به ایشان اجتناب ورزد، و بر مسلک آنان سلوک نکند. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

خدای تعالی فرمود:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ، وَالَّذِينَ مَعَهُ، إِذْ قَالُوا

به حقیقت برای شما در ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشق خوبی است، به قومشان

لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ، وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَبَدَأَ

گفتند: ما از شما بیزاریم از آنچه جز خدا می پرستید،

بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا.﴾

بین ما و شما همیشه دشمنی و کینه ورزی است.

شیخ صدوق رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: حق تعالی به سوی پیغمبری از پیامبران خود وحی فرستاد تا به مؤمنان بگوید: لباس دشمنان مرا نپوشید، و غذای دشمنان مرا نخورید، و بر راههای دشمنان من مروید، که دشمنان من خواهید بود، چنان که آنان دشمنان منند. لذا در بسیاری از روایات وارد شده: فلان عمل را بجا آورید، و خود را به کفار شبیه نسازید، مانند روایتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

نقل شده: شارب [موهای پشت لب] را از ته بگیرید، و محاسن [موهای صورت] را بلند بگذارید، و خود را به یهودیان و گبران شبیه نکنید، و نیز فرمود: گبران محاسن خود را تراشیدند، و شاربهای خود را زیاد کردند، و ما شارب خود را می گیریم و محاسن می گذاریم، و هنگامی که نامه های دعوت آن جناب به پادشاهان رسید، کسری به باذان عامل یمن نوشت، آن حضرت را نزد او فرستد، و او کاتب خود بانویه، و مردی که او را خرخسک می گفتند به مدینه فرستاد، و آن دو محاسن خود را تراشیده و شارب گذاشته بودند، آن جناب را خوش نیامد که به ایشان نظر کند فرمود: وای بر شما چه کسی شما را به این هیئت امر کرده؟ گفتند: پروردگارمان یعنی کسری، فرمود ولی پروردگار من، مرا به گذاشتن محاسن و چیدن شارب امر فرموده است. بدان که حق تعالی در سوره (هود) فرموده است:

﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا، فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ، وَمَا لَكُم مِّنْ

به جانب کسانی که ستم کردند متمایل نشوید، در نتیجه آتش شما را تماس می یابد و جز خدا

دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ، ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾. مفسران در معنی آیه

یاری نشوید.

سپس

برای شما دوستانی نباشد،

فرموده اند: میل اندک به سوی آنان نکنید تا چه رسد به

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

بسیار که ستم کردند، پس برسد به شما آتش دوزخ. و بعضی گفته‌اند: «رُکون» نهی شده، وارد شدن با ایشان در ستم ایشان، و اظهار رضایت به کارشان و اظهار موالات با آنان است، و در روایت اهل بیت علیهم‌السلام آمده: رکون عبارت از مودّت و نصیحت و طاعت ایشان است. بیست و نهم: نوزده حرف است که برای خواننده آن، اسباب گشایش و رهایی از آفات است، رسول خدا آنها را به امیر مؤمنان صلوات الله علیهما و آلهما تعلیم فرموده و شیخ صدوق در کتاب خصال در ابواب نوزده گانه نقل کرده، فرمودند که می‌گویی:

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ ، وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ ، وَيَا سَنَدَ مَنْ

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاهی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره‌ای ندارد، ای پشتوانه کسی که

لَا سَنَدَ لَهُ ، وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ ، وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ

پشتوانه‌ای ندارد، ای پناه کسی که پناهی ندارد، ای دادرس کسی که دادرسی

لَهُ ، وَيَا كَرِيمَ الْعَفْوِ ، وَيَا حَسَنَ الْبَلَاءِ ، وَيَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ ،

ندارد، وای کریم، وای نیکو آزمون، وای بزرگ و امید،

وَيَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ ، وَيَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى ، وَيَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى ؛

وای عزت ناتوانان، وای نجات‌بخش غرق‌شدگان و هلاک‌شدگان،

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ

ای نیکوکار، ای زیباکار، ای نعمت‌بخش، ای افزون‌بخش، تویی که

سَوَادُ اللَّيْلِ ، وَنُورُ النَّهَارِ ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ ، وَشُعَاعُ الشَّمْسِ ،

تاریکی شب و روشنی روز، و پرتو ماه و شعاع خورشید

وَدَوِيُّ الْمَاءِ ، وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ ؛ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ، أَنْتَ

و صدای آب و صدای خش خش برگ های درخت برایت سجده کرد. ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو

وَحَدَاكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ . پس می گویی: اَللّهُمَّ افْعَلْ بِكَ كَذَا

یگانه ای شریکی برایت نیست

وَ كَذَا، به جای کلمه کذا و کذا حاجت خود را ذکر می کنی همانا که از جای خود برنخواهی خاست تا آن شاء الله تعالی مستجاب شود. سی ام: شیخ کفعمی از مفاتیح الغیب نقل کرده: هر که لفظ بسم الله را بر درِ ورودی منزل خود بنویسد از هلاک ایمن خواهد شد، اگرچه کافر باشد، و نیز گفته است: خدا فرعون را زود هلاک نکرد بلکه به او مهلت داد، با این که ادّعی ربوبیت داشت به خاطر این که بر درِ خانه خود نوشته بود: بِسْمِ اللَّهِ وَ حَقَّ تَعَالَى به موسی زمانی که شتاب در هلاکت فرعون را خواست وحی فرمود: توبه کفر او نظر می کنی، و من به آنچه به درِ خانه خود نوشته است. سی و یکم: شیخ ابن فهد روایت کرده: روزی به ابو الدرداء خبر دادند: خانه ات سوخته است، گفت نسوخته، دیگری خبر داد، باز همان جواب را داد تا سه مرتبه معلوم شد تمام خانه های اطراف جز خانه او سوخته اند! گفتند: از کجا می دانستی که خانه تو نسوخته است؟ گفت:

بعضی از دعاها و مطالب متفرقه

زیرا از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: هر که در صبح این دعا را بخواند، بدی در آن روز به او نمی‌رسد، و اگر در شب بخواند، در آن شب بدی به او نمی‌رسد، و من این دعا را خوانده بودم:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، عَلَيكَ تَوَكَّلْتُ ، وَ اَنْتَ

خدا یا تویی پروردگار من، معبودی جز تو نیست، بر تو توکل کردم و تو

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ، اَلْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ .

پروردگار عرش بزرگی، و هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای برتر بزرگ.

مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ ، وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ ؛ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ

آنچه خدا خواست شد، و آنچه نخواست نشد، می‌دانم که خدا بر هر

شَيْءٍ قَدِيْرٌ ، وَ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا . اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

چیز تواناست، و به همه چیز از جهت علم احاطه یافته است. خدایا به تو

اَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِيْ ، وَ مِنْ شَرِّ قَضَاءِ السَّوْءِ ، وَ مِنْ شَرِّ

پناه می‌آورم، از شر خود، و از شر قضای بد، و از شر

كُلِّ ذِيْ شَرٍّ ، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

هر صاحب شری، و از شر جن و انس، و از شر هر جنبنده‌ای که

اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ؛ اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ .

گیرنده مهار اختیارش هستی، به درستی که پروردگار من بر راهی راست است

سی و دوم: شیخ کلینی و غیر او از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده‌اند: این دعا را تعلیم زراره فرمود: که در زمان

غیبت و امتحان شیعه بخوانند: اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ ، فَانَّا اِنْ

خدا یا خود را به من بشناسان، زیرا اگر

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُوْلَكَ،

خود را به من شناسانی فرستاده‌ات را نشناخته‌ام، خدا یا فرستاده‌ات را به من شناسان،

فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُوْلَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي

زیرا اگر فرستاده‌ات را به من شناسانی حجتت را نشناخته‌ام، خدا یا حجتت را

حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

به من شناسان، زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.

سی و سوّم: در عُدّة الداعی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده: هرگاه یکی از شما خواست بخوابد، دست راست را زیر صورت راست خود بگذارد و بگوید:

بِسْمِ اللّٰهِ؛ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلّٰهِ عَلَى مِلَّةِ اِبْرَاهِيْمَ، وَ دِيْنِ مُحَمَّدٍ

صلی اللہ علیہ و آلہ، وَ وِلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللّٰهُ طَاعَتَهٗ؛ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ،

وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ. هر که این دعا را هنگام خواب بگوید،

خدا او را از دزد غارتگر، و از ریزش آوار بر سرش، حفظ

کند، و فرشتگان برای او طلب آمرزش کنند. سی و چهارم: و

نیز در عُدّة الداعی آمده: خواندن ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ بر

هر چیزی که ذخیره و پنهان کنند، برای آن حرز [حافظ و

نگاهبان] است، بنابر آنچه از اهل بیت علیهم السلام روایت شده.

سی و پنجم: و نیز از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده: هر که صد

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

آیه از قرآن بخواند از هر آیه که باشد، و هفت مرتبه بگوید یا اَللّهُ، اگر بر سنگی بخواند خدا آن را بشکافد. سی و ششم: و نیز از آن حضرت نقل کرده: کسی که ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را سه مرتبه بخواند وقتی که به بستر خواب خویش می‌رود، خدا پنجاه هزار فرشته بر او بگمارد که از او در آن شب پاسداری کنند، و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هر که یک روز بر او بگذرد، و در نماز خود ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را نخواند، روز قیامت به او می‌گویند: ای بنده خدا تو از نماز گزاران نیستی!! و نیز از آن حضرت نقل شده: کسی که جمعه بر او بگذرد یعنی یک هفته و در آن هفته ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ نخوانده باشد، به دین ابی لهب بمیرد!! و نیز از آن جناب روایت شده: کسی که به او مرضی یا شدتی برسد و در آن حال ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ نخواند، و در آن مرض یا شدت بمیرد اهل آتش خواهد بود.

سی و هفتم: در (عُدّة الداعی) این نوشته را برای حفظ زراعت خربزه و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و آفاتی که آن را فاسد کند نقل کرده، و کیفیت آن، چنان است که بر چهار نی، یا چهار کاغذ که در نی بگذارد بنویسد، و آنها را در چهار طرف مزرعه قرار دهد.

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

أَيُّهَا الدَّوْدُ، أَيُّهَا الدَّوَابُّ وَالهَوَامُّ وَالْحَيَوَانَاتُ، أَخْرُجُوا مِن

ای کرمها، ای جانوران و حشرات و حیوانات، از این زمین

هَذِهِ الْأَرْضِ وَالزَّرْعِ إِلَى الْخَرَابِ، كَمَا خَرَجَ ابْنُ مَتَّى مِنْ بَطْنِ

و زراعت به ویرانه روید، آنچنان که «یونس» فرزند متی از شکم

الْحَوْتِ، فَإِنْ لَمْ تَخْرُجُوا، أَرْسَلْتُ عَلَيْكُمْ سُورًا مِّنْ نَّارِ

ماهی بیرون رفت، اگر بیرون نروید، زبانه خشمگینی از آتش و مس

وَنُحَاسٍ (نُحَاسًا) فَلَا تَنْتَصِرَانِ. ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن

بر شما می فرستم، پس یاری نشوید، آیا ندیدی آنان را که از ترس مرگ از

دِيَارِهِمْ، وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ، فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا﴾

خانه هایشان بیرون رفتند و هزاران تن بودند، خدا به آنان گفت: بمیرید،

فَمَاتُوا، أَخْرَجُوا مِنْهَا، فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾؛ ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا

پس همگی مردند، از آن بیرون روید به درستی که تو رانده شده ای، پس از آنجا ترسان بیرون رفت،

يَتَرَقَّبُ﴾. ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ

در حالی که از خود دیده بانی می کرد، منزّه است آن که شبانه بنده خود را از مسجد

الْحَرَامِ، إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾؛ ﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا

الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد روزی که ببینند آن را، گویی اینان درنگ نکرده اند

إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾؛ ﴿فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَغُوبٍ،

جز شبی یا ظهری، پس بیرون کردیم آنها را از باغها و چشمه ها

و زُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ﴾، ﴿وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَاكْهِنَ﴾؛

و کشتزارها و جایگاه کریم، و نعمتی که در آن خوش بودند،

﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾.

پس آسمان و زمین بر آنان گریست، و مهلت نیافته بودند،

﴿أَخْرَجَ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا، فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ

از آن بیرون رو تو را نمی رسد که در آن تکبر ورزی، پس بیرون رو،

الصَّاعِغِينَ﴾. ﴿أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا﴾؛ ﴿فَلَنَأْتِيَنَّهُمُ

که تو از خوارانی، از آن بیرون شو با ندامت و رسوایی، پس به جانب آنان

بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ، وَانْخَرِجْنَهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ. ﴿١٠﴾

سپاهیان می آوریم، که آنان را یارای روبرو شدن با آنها نیست و از آنجا با خواری بیرونشان می کنیم، در حالی که بی مقدارانند.

سی و هشتم: سید ابن طاووس از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد، که در انگشت راست کرده باشد، پیش از آنکه نظرش به کسی افتد، آن را به جانب کف دست برگرداند، و به آن نظر کند و سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را تا آخر بخواند، سپس بگوید: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ، وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ، وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ؛ خدای عالمیان او را در آن روز، از شر آنچه از آسمان نازل می شود، و آنچه به سوی آسمان بالا می رود، و آنچه در زمین فرو می رود، و آنچه از زمین بیرون می آید حفظ می کند، و تا شامگاه در حرز [پناه] و حمایت خدا و دوستان خدا باشد.

سی و نهم: شیخ کفعمی از کتاب جامع الشتات، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده: هرگاه خواستی از ما حدیثی نقل کنی، و شیطان باعث فراموشی تو شود، دستت را بر

پیشانی ات بگذار و بگو: صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . اَللّٰهُمَّ
اِنِّیْ اَسْأَلُكَ یَا مُذَكِّرَ الْخَیْرِ ، وَفَاعِلَهُ وَالْآمِرَ بِهِ ، ذَكِّرْنِیْ
مَا اَنْسَانِیْهِ الشَّیْطَانُ . در کتاب مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیْهِ از
حضرت صادق علیه السلام نقل شده : کسی که فراموشی او در نماز
زیاد باشد، هنگامی که وارد بیت الخلاء می شود بگوید:
بِسْمِ اللّٰهِ . اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرَّجِیْسِ النَّجِیْسِ ، اَلْخَبِیْثِ الْمُخْبِیْثِ ،
اَلشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ . مؤلف گوید: کسی که می خواهد
حافظه اش زیاد شود، مسواک کند، و روزه بگیرد، و قرآن
بخواند، به ویژه آیه الكرسی را، و ادامه دهد خوردن مویز را
در ناشتا، به ویژه اگر سرخ و بیست و یک دانه باشد، این
کارها برای فهم و ذهن و حافظه سودمند است، و نیز
خوردن حلوا و گوشت نزدیک گردن گوسفند، و غسل
و عدس نیز باعث تقویت حافظه هستند، نقل شده : از
دوآهایی که به تجربه رسیده آن است که: کندر و سَعد
و شکر طبرزد را مساوی با هم گرفته و نرم بکوبند و مخلوط
کنند، و روزی پنج درهم بخورند، البته سه روز پی در پی

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

بخورند، و پنج روز ترک کنند و به این صورت ادامه دهند، و هر روز پس از نماز صبح، پیش از آن که سخن بگویند بخوانند: یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، فَلَا یَفُوتُ شَیْئًا عِلْمُهُ وَلَا یُؤْوَدُّهُ. و نیز به دنبال نمازها بخواند دعای: سُبْحَانَ مَنْ لَا یَعْتَدِیْ عَلَیْ أَهْلِ مَمْلَکَتِهِ را، و نیز بخواند نمازی را که در باب دوم برای تقویت حافظه نقل کردیم [صفحه ۱۶۰۷] و غیر ذلک، و نیز اجتناب کند از اموری که سبب نسیان می شود مانند: خوردن سیب ترش، گشنیز سبز، پنیر، پَس خورده موش، بول کردن در آب راکد، خواندن سنگ قبور، عبور از بین دو زن، دور انداختن شپش زنده، نگرفتن ناخنها، ترک قیلوله [خواب نیمروز]، کثرت معاصی، بسیاری ناراحتی ها و اندوهها در امر دنیا، کثرت اشتغال و دلبستگی ها، چشم دوختن به اعدای بربالای دار، عبور از میان قطار شتر. **چهارم:** ابن فهد از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده: هر دعایی که پیش از آن تمجید نباشد اَبتر [بی ثمر] است، اول تمجید است سپس ثنا، راوی گفت کمتر چیزی که از تمجید کفایت می کند

بعضی از دعاء و مطالب متفرقه

چیست؟ فرمود: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ، فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ

خدایا تویی اول، پیش از تو چیزی نیست، و تویی

الْآخِرُ، فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ الظَّاهِرُ، فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ،

آخر، پس از تو چیزی نیست، و تویی ظاهر برتر از تو چیزی نیست،

وَاَنْتَ الْبَاطِنُ، فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

و تویی باطن و رأی تو چیزی نیست و تویی عزیز و حکیم

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

بدان که چون بر کسی آثار مرگ نمایان شود، اول کسی که باید به احوال او پردازد، خود شخص است که سفر آخرتی ابدی در پیش دارد، و برای او در خود آن سفر توشه لازم است. اول چیزی که برای او ضروری است، اقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشته‌ها و توبه کامل و تضرع و زاری به درگاه جناب مقدس ایزدی که از گناهان گذشته او درگذرد، و در احوال و هول و هراسی که در پیش دارد، او را به خود و دیگران وا میگذارد. پس باید که متوجه وصیت شود، و حقوق خدا و خلق و آنچه را بر ذمه اوست ادا کند، و به دیگران واگذار نکند که پس از مردن بی اختیار می شود و به حسرت در اموال خود بنگرد، و شیاطین جن و انس، اوصیا و وارثان او را وسوسه‌ها کنند، و از اینکه ذمه او را از حقوق آزاد کنند مانع شوند، و برای او چاره‌ای نباشد جز آنکه بگوید: مرا باز گردانید، آن مقدار که از اعمال شایسته می‌خواهم با دارایی خود انجام

بعضی از آداب دُعاهای مربوط به مرگ

دهم، ولی به خواسته‌اش توجهی نشود، و حسرت و ندامت سودی نبخشد. پس به اندازه ثلث مال خود برای خویشان و صدقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود می‌داند وصیت کند، که اضافه بر ثلث را اختیاری ندارد. برائت ذمه خود را از برادران مؤمنش بخواهد، و از هر که غیبت کرده، یا اهانت و آزاری روا داشته، اگر حاضر باشند از آنان بخواهد او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند، از برادران مؤمن بخواهد که برای او برائت ذمه بخواهند، سپس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب حق به امینی واگذارد و شخصی را برای اولاد صغیر خود به عنوان وصی تعیین نماید. سپس کفن خود را مهیا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات، آنچه در کتب مبسوطه ذکر شده است، و این رساله گنجایش بیان آنها را ندارد، بگوید با تربت حضرت امام حسین علیه السلام بر کفن او بنویسند، و این در صورتی است، که قبل از این غافل بوده و کفنی مهیا نکرده باشد، و گرنه مؤمن باید کفنش همیشه مهیا و نزد او حاضر باشد، چنان که از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: هر که کفنش در خانه‌اش همراه او باشد، او را در شمار غافلان

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

نویسند، و هرگاه به آن کفن نظر کند ثواب یابد، و باید پس از آن دیگر به فکر زن و فرزند و مال نباشد، و متوجه حضرت حق گردد، و به یاد او باشد، و اندیشه کند که این امور فانی به کار او نمی آید، و به غیر لطف و رحمت پروردگار، در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی رسد، و بداند وقتی که توکل بر حق کند، امور بازماندگانش به بهترین صورت انجام خواهد گرفت، و بداند که اگر خود باقی بماند، نمی تواند بدون خواست خدا سودی به آنان رساند، و ضرری از آنان برطرف نماید، و خدایی که آنان را آفریده از او به آنان مهربان تر است. و باید در آن حال در مقام امید و رجا به سر برد، و به رحمت خدا و شفاعت رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد، و منتظر قدوم شریف ایشان باشد، و بداند همه آنان در آن وقت حاضر می شوند، و شیعیان خود را بشارتها می دهند، و ملک الموت را سفارشها می نمایند.

شیخ طوسی در (مصباح المتهجد) فرموده: وصیت و اخلال نکردن به آن برای انسان مستحب است. چه آنکه روایت شده: برای آدمی سزاوار است شب را به روز نیاورد، مگر آنکه وصیت نامه اش زیر سرش باشد، و این معنا در حال

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرگ

بیماری تأکید شده است. و نیکو وصیت کند، و خود را از حقوقی که ما بین او و خداست و از مظالم عباد [ستمهایی که بر بندگان روا داشته است] خلاص کند. به راستی از رسول خدا ﷺ روایت شده: هر که هنگام مرگ خویش وصیتش را نیکو نکند، نشانه نقص در عقل و مروّت اوست. عرضه داشتند: آن وصیت نیکو چگونه است؟ فرمود: چون مرگ او برسد، و مردم نزد او جمع شوند بگوید:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ ،

خدا یا آفریننده آسمانها و زمین، دانای پنهان و عیان،

الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ ، إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ ، أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

بخشنده و مهربان، من با تو عهد می کنم، به حق گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،

(أَنْتَ) وَحْدَهُ (وَحْدَكَ) ، لَا شَرِيكَ لَهُ (لَكَ) ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

یگانه است، شریکی ندارد، و اینکه محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، عَبْدُهُ (عَبْدُكَ) وَ رَسُولُهُ (رَسُولُكَ) ،

(درود خدا بر او و خاندانش) بنده و فرستاده اوست،

وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَأَنَّكَ تَبْعُثُ

و قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست، و خدا هر که را

مَنْ فِي الْقُبُورِ ، وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ ،

در قبور هستند. برمی انگیزد، و همانا حسابرسی اعمال و بهشت حق است، و آنچه

وَمَا وَعَدْتَ فِيهَا مِنَ النِّعَمِ ، مِنَ الْمَأْكَلِ وَ الْمَشْرَبِ

در آن از نعمتها و خوراکیها، و آشامیدنی ها،

وَ النَّكَاحَ حَقٌّ ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ ، وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ ، وَأَنَّ الدِّينَ

و ازدواج و عده داده شده حق است، و آتش حق است، و ایمان حق است. و دین

بعضی از آداب و دعاهای مربوط به مرگ

كَمَا وَصَفْتَ ، وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ ،

چنان که وصف کردی، و اسلام چنان که تشریح فرمودی،

وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ ، وَ أَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ ،

و گفتار چنان که گفتی، و قرآن چنانچه نازل کردی،

وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ، وَ أَنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا ، أَنِّي

و خدای حق روشنگر است، و من در خانه دنیا با تو عهد می‌کنم که من

رَضِيتُ بِكَ رَبًّا ، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا ، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

راضی شدم به تو به اینکه پروردگار هستی و به اسلام برای دین، و به محمد (درود خدا بر او

وَ آلِهِ نَبِيًّا ، وَ بَعَلِّيْ وَلِيًّا (إِمَامًا) ، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا ، وَ أَنَّ أَهْلَ

و خاندانش) برای پیامبری، و به علی برای ولایت، و به قرآن به عنوان کتاب، و اینکه اهل

بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَيْمَنِي . اللَّهُمَّ أَنْتَ

بیت پیامبرت (بر او و بر خاندانش درود) امامان من هستید، خدایا تو مورد

ثَقَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي ، وَ رَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، وَ عُذَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ

اطمینان منی هنگام سختی، و امید منی به گاه گرفتاری، و ذخیره منی در کارهایی

الَّتِي تَنْزِلُ بِي ، وَ أَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعَمَتِي ، وَ إِلَهِي وَ إِلَهُ آبَائِي ، صَلِّ

که برایم پیش آید، و تو سرپرست منی در نعمتم، و معبود من و پدران منی، بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا ،

و خاندانش درود فرست، و هرگز چشم برهم نهادنی مرا به خود و امگذار،

وَ أَنْسَ فِي قَبْرِي وَ حَشَتِي ، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا ، يَوْمَ

و در قبر و حشتم را برطرف کن، و برایم در پیش خود پیمانی گسترده قرار ده روزی

الْقَاكَ مَنشُورًا.

که تو را ملاقات می‌کنم

این عهد میّت است در روزی که به حاجت خود وصیت

می‌کند، و وصیت بر هر مسلمانی حق است. حضرت صادق

علیه السلام فرمود: تصدیق این معنا در گفتار خدای تبارک

بعضی از آداب دعاها می مربوط به مرک

و تعالی در سوره مریم آمده است:

﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾؛

بخشنده پیمان گرفته باشد

مگر کسی که نزد خدای

مالک نمی شوند شفاعت را،

و این همان پیمان است. رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیؑ فرمود: آن را بیاموز و به اهل بیت و شیعه خود آموزش ده، که آن را جبرئیل به من آموخت. شیخ فرموده: نسخه نوشته ای که با میت نزد جریده گذارده می شود، پیش از نوشتن بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ،

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست،

لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، صَلَّى اللَّهُ

یگانه است، برای او شریک نمی باشد، و گواهی می دهم که محمد بنده و رسول اوست، (درود خدا بر او

عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ ، وَأَنَّ السَّاعَةَ

و خاندانش)، و این که بهشت و آتش و قیامت حق است. قیامت آمدنی است

حَقٌّ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ . آنگاه

و شکی در آن نیست، و خدا هر که در گورهاست برمی انگیزد

بنویسد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمَّونَ فِي

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، گواهی دادند، گواهان نامبرده در

هَذَا الْكِتَابِ ، أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ)

این نوشته بر این که برادرشان در راه خدای عز و جل فلان بن فلان

بجای فلان نام شخص ذکر شود أَشْهَدُهُمْ ، وَاسْتَوَدَعَهُمْ ،

و به آنان سپرد، آنان را گواه گرفت،

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

وَاقْرَأْ عِنْدَهُمْ، أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ،

و نزدشان اقرار کرد بر اینکه او گواهی می دهد: معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است،

وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ أَنَّهُ

و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و رسول اوست، و اینکه

مُقَرَّرٌ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ

او به همه انبیا و رسولان (درود بر ایشان) اقرار دارد، و این که علی ولیّ

اللَّهِ وَ إِمَامُهُ، وَ أَنْ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ أَيْمَتُهُ، وَ أَنْ أَوْلَهُمُ الْحَسَنُ،

خدا و امام اوست، و ائمه از اولادش امامان اویند که اول آنان حسن، است، سپس ا

وَ الْحُسَيْنُ، وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرُ بْنُ

حسین، و علی بن الحسین، و محمد بن علی، و جعفر بن

مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ،

محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی،

وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ، عَلَيْهِمُ

و علی بن محمد، و حسن بن علی، و قائم حجت (درود بر ایشان)،

السَّلَامُ؛ وَ أَنْ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ

و اینکه بهشت و دوزخ حق است، و قیامت آمدنی است، شکّی در آن نیست،

فِيهَا، وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

و خدا هر که را در قبورند برمی انگیزد، و اینکه محمد (درود خدا بر او

عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ، وَ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ

و خاندانش)، بنده و رسول اوست، حق را آورد، و علی ولیّ

اللَّهِ، وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

خدا، و خلیفه پس از رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) است

وَ مُسْتَخْلَفُهُ فِي أُمَّتِهِ، مُؤَدِّيًّا لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، وَ أَنْ

که او را در امتش جانشین خود قرار داد، در حالی که فرمان پروردگارش را می رساند، و اینکه

فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ، وَ ابْنَيْهَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، ابْنَا

فاطمه دختر رسول خدا، و دو فرزندش حسن و حسین دو پسر

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

رَسُولِ اللَّهِ، وَسِبْطَاهُ وَإِمَامَا الْهُدَى، وَقَائِدَا الرَّحْمَةِ، وَأَنَّ عَلِيًّا

رسول خدا، و دو فرزند زاده او، و دو پیشوای هدایت، و دو رهبران رحمتند. و اینکه علی

و مُحَمَّدًا، وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى، وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا، وَ عَلِيًّا

و محمد و جعفر، و موسی و علی، و محمد و علی

وَ حَسَنًا، وَ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَيْمَةً وَقَادَةً، وَ دُعَاءَهُ إِلَى اللَّهِ

و حسن، و حجت (درود بر ایشان) امامان و رهبران و دعوت کنندگان به سوی خدا،

جَلَّ وَ عَلا، وَ حُجَّةٌ عَلَى عِبَادِهِ. سپس بگوید: يَا شُھُودُ،

و حجت و بلندگان اویند. ای گواهان.

ای فلان و ای فلان که نام برده شده‌اید، برای من در این

نوشته، این شهادت را نزد خودتان استوار بدارید، تا مرا به

آن کنار حوض کوثر ملاقات کنید سپس گواهان بگویند:

ای فلان: نَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ، وَالشَّهَادَةُ وَالْإِقْرَارُ وَالْإِخَاءُ،

تو را به خدا می‌سپاریم، و گواهی و اقرار و برادری

مَوْدُوعَةٌ (مَوْعِدُوم) عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

نزد رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) سپرده است

وَنَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. پس آن صحیفه

و به تو می‌فرستیم سلام و رحمت و برکات خدا را

را به هم پیچند، و آن را مهر کنند، و باید به مهر شهود

و میت مهر شود، و با جریده طرف راست میت گذاشته

شود، و این صحیفه بانوک چوبی با کافور نوشته شود، و معطر

و خوشبو نباشد. و سزاوار است وقتی حالت مرگ می‌رسد،

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

باطن قدمهای محتضر را رو به قبله کنند، و نزد او کسی باشد که سوره یس و صفات بخواند، و ذکر خدا کند، و او را به گفتن شهادتین، و اقرار به یک یک امامان تلقین نماید، و کلمات فرج را تلقین او کند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ .

معبودی جز خدا نیست، خدای بردبار کریم، معبودی جز خدا نیست خدای برتر بزرگ،

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ ،

منزه است خدا، پروردگار آسمانهای هفتگانه، و زمینهای هفتگانه،

وَمَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ ، وَ مَا تَحْتَهُنَّ ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ،

و آنچه در آنها و بین آنها، و زیر آنهاست، و پروردگار عرش بزرگ،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ .

و ستایش خدای را پروردگار جهانیان، و درود بر محمد و خاندان پاکش

و نزد محتضر جُنُب و حایض حاضر نشود، و چون از دنیا رفت چشمانش را فرو خوابانند، و دستهایش را بکشند، و دهانش را بر هم گذارند، و ساقهایش را بکشند، و چانه اش را ببندند، و شروع در تحصیل کفن او کنند، و کفن واجب سه پارچه است: لُنگ، پیراهن، و سرتاسری، و مستحب است بر این پارچه ها جرّه یمنیه اضافه شود، و آن جامه ایست که از یمن می آورند، یا پارچه ای دیگر، و پارچه پنجمی زیاد کنند، که با آن رانهای میّت را بپیچند، و علاوه بر اینها

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

مستحب است برای او عمامه قرار دهند، پس مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد تهیه کنند و بهتر است به وزن سیزده درهم و ثلث، و کمتر از آن چهار مثقال، و اقل یک درهم باشد، و اگر دشوار باشد هر اندازه ممکن است تهیه کنند. و سزاوار است بر تمام کفنها، یعنی بر هر پارچه از آن بنویسند:

فُلَانٌ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وَدِدِهِ، وَ يَكُ يَكُ
امامان را ذکر کند سپس نوشته را به این جمله ادامه دهد. أَيْمَتُهُ
أَئِمَّةُ الْهُدَى الْأَبْرَارُ؛ و این را با تربت امام حسین علیه السلام یا به انگشت بنویسند، و به سیاهی نوشته نشود. و باید میّت را به سه غسل، غسل دهند: غسل اول با آب سدر، دوّم با آب کافور، سوم با آب خالص. و کیفیت غسلش مانند غسل جنابت است. ابتدا می کند به شستن دستهای میّت سه مرتبه، پس عورت او را با کمی از ایشان سه مرتبه می شوید، سپس سر او را سه مرتبه با کف سدر غسل می دهد، سپس جانب راست و بعد جانب چپ را به همین صورت و دست خود را به تمام بدن میّت می کشد، و باید همه این شستنهای اول با آب سدر باشد، سپس ظرفها را بشوید تا اثر سدر از آنها برود، سپس به همین ترتیب با آب کافور آنگاه او را با آب خالص غسل دهد، و غسل دهنده در حال غسل دادن هر عضوی بر جانب راست

بعضی از آداب و دعاهای مربوط به مرک

او بایستد و بگوید: عَفْوًا عَفْوًا، چون از غسل دادن فارغ شود، بدن میّت را با جامه تمیزی خشک کند، و بر غسل دهنده در این حال یا بعد از آن غسل میّت واجب است. و مستحبّ است وضو، پیش از غسلهای میّت. سپس او را کفن کند، و پارچه پنجمی را که ران پیچ باشد حاضر کند، و پهن نماید، و مقداری پنبه روی آن بگذارد، و بر آن قدری زیره بپاشد، و بر قُبُل و دُبُر میّت گذارد، و بر سوراخ دُبُر او پنبه بگذارد، سپس آن پارچه را بر رانهای او ببندد و محکم ببندد، سپس لنگش را از نافش تا هر کجا برسد ببندد، و پیراهنش را بر او بپوشاند، و روی همه اینها سرتاسری را قرار دهد، و بالای آن حَبَرَه، یا چیزی که جایگزین آن باشد، و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما، یا درخت دیگری، و باید تروتازه باشد، و طولش به اندازه استخوان ذراع [ساعد]، یکی از آن دو را در جانب راست، چسبیده به بدن، از آن محلّی که موضع بستن لُنگ است، و دیگری را در جانب چپ مابین پیراهن و سرتاسری و کافور را بر مواضع سجده میّت، که پیشانی و باطن دستها، و سر زانوها، و اطراف انگشتان پاها می باشد بگذارد. و اگر از کافور چیزی اضافه آمد بر سینه او قرار دهد. و کفنها را بر او پیچند، و او را از جانب سر و پاهایش ببندد، تا او را به خاک سپارند، آن وقت گره کفن را بگشایند. چون از کار کفن فارغ شدند، او را بر تابوت قرار داده، به جانب مصلّی ببرند، و بر او نماز بخوانند، علامه مجلسی در

بعضی از آداب و دعا‌های مربوط به رک

«زادُ المعاد» آنچه را که خلاصه‌اش این است فرموده: این نماز بر همه مسلمانان که آگاه به فوت شخصی شوند واجب است، و اگر یک نفر از آنان بخواند، از دیگران ساقط می‌شود. و خواندن نماز بر مرده شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بدون خلاف در بین علما واجب است، و اشهر و اقوی آن است که بر طفلی که شش سالش تمام شده خواندن نماز واجب است، و ظاهراً به قصد قربت می‌توان اکتفا کرد. و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد شده باشد بعضی مستحب دانسته‌اند و بعضی بدعت، و احوط نماز نخواندن است. و سزاوارترین مردم به نماز میّت بنابر مشهور وارث اوست، و شوهر به همسر خود اولی است، و واجب است نماز گزار رو به قبله بایستد، و سر جنازه به جانب راست او باشد، درحالی که میّت را به پشت خوابانده باشند، و در این نماز طهارت از حدّث شرط نیست، و جُنب و حائض، و بی‌وضو می‌توانند این نماز را بخوانند، و مستحبّ است با وضو باشد، و اگر آب نباشد، یا مانعی داشته باشد، یا وقت تنگ باشد، مستحبّ است تیمم نماید. و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمم مستحبّ است. و بنابر مشهور مستحبّ است امام جماعت برابر میان بدن مرد میّت، و روبروی سینه زن بایستد، و مستحبّ است کفش را از پا بیرون کند. و واجب است نیت نماز کند، و پنج تکبیر بگویند. و مستحبّ است، در هر تکبیر دستها را تا برابر گوش بالا ببرند، و مشهور آن است که پس از تکبیر اول بگویند:

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. و پس از
تکبیر دوم بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. و بعد از
تکبیر سوم بگوید: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. و بعد
از تکبیر چهارم بگوید: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ. و تکبیر پنجم
را بگویند، به این صورت نماز تمام و مجزی است. و بنابر نظر
مشهور، بهتر آن است که پس از نیت بگوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ.

خدا بزرگتر است.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است. و گواهی می‌دهم که

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ، بَشِيرًا وَنَذِيرًا، بَيْنَ

محمد بنده و فرستاده اوست، که او را به حق، مژده‌دهنده و بیم‌دهنده پیشاپیش

يَدَيِ السَّاعَةِ. سپس بگوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

قیامت فرستاده. خدا بزرگتر است. خدایا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ

محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، و محمد

مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ،

و خاندان محمد را رحم کن، همانند برتر درود و برکت و رحمتی که

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ؛ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ

بر ابراهیم و خاندان ابراهیم نمودی، به درستی که تو ستوده و بزرگواری، و بر همه

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. سپس بگوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

پیامبران و فرستادگان درود فرست، خدا بزرگتر است، خدایا

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

مردان و زنان مؤمن و مسلمان چه زنده

بعضی از ادب و دعا های مربوط به مرگ

وَالْأَمْوَاتِ، تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ؛ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ؛

و چه مرده از آنان را بیامرز، پیوند ده میان ما و آنها را به خیرات، به درستی که تو اجابت کننده دعاها یی،

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سپس بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ

به درستی که تو بر هر چیز توانایی. خدا بزرگتر است. خدایا

إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، وَابْنُ أَمَتِكَ، نَزَلَ بِكَ، وَ أَنْتَ

این بنده تو، و فرزند بنده تو، و فرزند کنیز توست نزد تو فرود آمده، و تو

خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا، وَ أَنْتَ أَعْلَمُ

بهترین کسی هستی که نزد او فرود می آیند، خدایا ما از او جز خوبی نمی دانیم، و تو از ما به او

بِهِ مِنَّا. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ، وَ إِنْ كَانَ

داناتری، خدایا اگر نیکوکار است، بر نیکی اش بیفزاء، و اگر بدکار است،

مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي

از او درگذر، و او را بیامرز، و نزد خود در بالاترین

أَعْلَىٰ عِلِّيَّينَ، وَ اخْلُفْ عَلَىٰ أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ، وَ ارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ؛

جایگاه قرارش ده، و بر خاندانش در میان زندگان جانشین او باش به مهربانی ات

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. سپس بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ، و فارغ می شود،

ای مهربان ترین مهربانان خدا بزرگ تر است

وَ إِنْ كَانَ مَيِّتٌ زَنْ بَاشِدٌ مَيِّتٌ بَاشِدٌ: اللَّهُمَّ إِنْ هَذِهِ أَمَتُكَ وَابْنَةُ

خدایا این کنیز تو و دختر

عَبْدِكَ، وَابْنَةُ أَمَتِكَ، نَزَلَتْ بِكَ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ.

بنده تو، و دختر کنیز توست، بر تو فرود آمده، و تو بهترین کسی هستی که بر او فرود می آیند،

اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا، وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا. اللَّهُمَّ إِنْ

خدایا ما از او جز خوبی خبر نداریم، و تو از ما به او داناتری، خدایا اگر

كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا، وَ إِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ

نیکوکار است بر نیکی اش بیفزاء، و اگر بدکار است از او درگذر

عَنْهَا وَ اغْفِرْ لَهَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيَّينَ، وَ اخْلُفْ

و او را بیامرز، و نزد خود در بالاترین جایگاهها قرارش ده و بر خاندانش

عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ، وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در میان زندگان جانشین او باش، و به مهربانیت به او رحم کن؛ ای مهربان ترین مهربانان.

و اگر میت مستضعف باشد بگوید: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ، وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ؛ و اگر میت طفل نابالغ باشد بگوید: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِابَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا، وَفَرَطًا وَاجِرًا.

و مستحب است نمازگزاران بر جای خود بایستند، به خصوص پیش نماز تا جنازه را بردارند، و در روایتی وارد شده: پس از فارغ شدن از نماز بگوید: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَاقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: برادران مؤمن را از مردن او خبر دهند، تا بر جنازه او حاضر شوند، و بر او نماز بخوانند، و برایش استغفار کنند، که میت و همه آنان ثواب ببرند. در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: چون مؤمن را در قبر می گذارند، او را ندا می کنند: اول عطایی که به تو دادیم بهشت است، و اول عطایی که به تشیع کنندگان جنازه تو دادیم آمرزش گناهان ایشان است. و در حدیث دیگری فرمود: اول تحفه ای که در قبر به مؤمن می دهند آن است که هر کس را همراه جنازه او بوده می آمرزند. و در حدیث دیگری فرمود: هر که جنازه مؤمنی را همراهی کند، تا او را دفن کنند، حق تعالی در قیامت هفتاد

بعضی از آداب و دعا های مربوط به مرگ

فرشته بر او می گمارد، که او را همراهی کنند، و برایش از قبر تا جایگاه حساب استغفار نمایند. و فرمود: هر که یک طرف جنازه را بگیرد، بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده می شود، و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهانش خارج می شود. و باید جنازه را چهار نفر بردارند، و برای کسی که تشییع جنازه می کند، بهتر است اول دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، سپس پای راست میّت را باز به دوش راست بردارد، آنگاه از پشت جنازه برود، و پای چپ میّت را به دوش چپ بردارد، سپس دست چپ میّت را که جانب راست جنازه است به دوش چپ بردارد، و اگر بار دیگر بخواهد چهار گوشه تابوت را بگیرد، از پیش جنازه نرود، بلکه از جانب پشت جنازه باز گردد، و باز به همان روش عمل کند. و اکثر علما بر عکس گفته اند، اول ابتدا به دست راست جنازه، سپس به پای راست، آنگاه به پای چپ، سپس به دست چپ، و موافق احادیث معتبر صورت اول بهتر است، و اگر هر دو صورت را بجا آوردند بهتر می باشد، و افضل آن است که دنبال جنازه، یا پهلوها راه رود نه پیش جنازه، و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازه مؤمن باشد، جلوی آن راه رفتن خوب است، و در جنازه آن که خلاف مذهب اهل بیت است خوب نیست، زیرا ملائکه او را به عذاب استقبال می کنند، و سواره رفتن دنبال جنازه مکروه است. از رسول خدا ﷺ نقل شده: هر که جنازه ببیند

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرگ

این دعا را بخواند: اللَّهُ أَكْبَرُ. ﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ،

خدا بزرگتر است، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند،

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾. اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا وَتَسْلِيْمًا. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

و خدا و رسولش راست گفتند، خدا یا ایمان و تسلیم ما را بیفزاء، ستایش خدای

الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ، وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ؛ هِيَچ ملکى در

را که عزت دارد به قدرتش، و مقهور کرد به مرگ، بندگان را

آسمان نماند مگر آنکه برای ترحم به او گریه کند. و از

حضرت صادق علیه السلام نقل شده: در حال برداشتن جنازه، این

دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

به نام خدا و به خدا خداوندا بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. و نقل شده است

و آل محمد درود فرست و مردان و زنان باایمان را ببامرز

که حضرت سجاد علیه السلام هرگاه جنازه ای را می دید می گفت:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَجْعَلْنِیْ مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ.

ستایش خدایی را که مرا از گروه هلاک شدگان قرار نداد

و برای زنان تشیع جنازه سنت نیست، و برخی گفته اند: جنازه را

بسیار تُند بُردن مکروه است. و خندیدن و حرف باطل گفتن بر

آن کس که بر جنازه حاضر می شود مکروه است، علامه

مجلسی فرموده است: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده: هر که بر

جنازه ای نماز بخواند، هفتاد هزار ملک بر او نماز بخوانند، و

گناهان گذشته اش آمرزیده شود. و اگر همراهی کند تا او را

دفن کنند، به ازای هر قدمی که بردارد، قیراطی از ثواب به او

بعضی از آداب و دعا های مربوط به مرگ

بدهند، که قیراط همانند کوه أحد است. و در حدیث دیگری فرمود: هر مؤمنی بر جنازه ای نماز کند، بهشت بر او واجب می شود، مگر آنکه منافق یا عاق پدر و مادر باشد. و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: چون مؤمنی بمیرد، و چهل نفر از مؤمنان بر جنازه او حاضر شوند و بگویند:

اللَّهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا، وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا؛ چون این را بگویند حق تعالی فرماید: من گواهی شما را پذیرفتم، و آن گناهای را که من می دانم و شما نمی دانید آمرزیدم. در حدیث معتبر دیگری از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده: اول چیزی که در عنوان نامه مؤمن پس از مرگش می نویسند، چیزی است که مردم در حق او می گویند، اگر نیک می گویند، نیک می نویسند، و اگر بد می گویند بد می نویسند. فقیر گوید: شیخ طوسی در مصباح المتعجّد فرموده: تربیع جنازه مستحبّ است، یعنی به دوش بگیرد، جانب کتف راست میّت را، پس از آن بیاید به جانب پا، به دوش بگذارد پای راست او را، پس از آن پای چپ او را، و بعد از آن کتف چپش را، حاصل اینکه چهار گوشه جنازه را به این ترتیب بر دوش بگیرد، که از آن تعبیر به «دور رحی» کنند، یعنی گشتن مانند سنگ آسیا. چون جنازه را نزد قبر آوردند، اگر مرد است او را به طرف پاهای قبر بگذارند، و او را سه مرتبه تالّب قبر بیاورند، و اگر جنازه زن است، او را طرف جلوی قبر که جانب قبله است بگذارند، پس ولیّ میّت

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

داخل قبر شود، یا کسی که ولیّ او را امر کند و وارد قبر شود از طرف پای قبر، که آن درِ قبر است، و چون وارد می شود بگوید:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ.

و سزاوار است شخصی که وارد قبر شده سر برهنه و پا برهنه باشد، با بندهای گشاده، پس میّت را بگیرد و او را از جانب سر داخل قبر کند، و در آن حال بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ، وَ فِي

به نام خدا، و به خدا، و در

سَبِيلِ اللّٰهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ. اِيْمَانًا بِكَ وَ تَصَدِيقًا

راه خدا، و بر آیین رسول خدا، خدایا، ایمان به تو، و تصدیق

بِكِتَابِكَ؛ ﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ، وَ صَدَقَ اللّٰهُ

به قرانت، این است آنچه خدا و فرستاده اش به ما وعده داده، خدا و رسولش

وَ رَسُوْلُهُ﴾. اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا. آنگاه میّت را به جانب

راست گفته اند، خدایا به ما ایمان و تسلیم بیفز

راست بخواباند، و صورت او را به طرف قبله قرار دهد، و از جانب سر و پا بند کفن او را بگشاید، و صورت میّت را روی خاک بگذارد، و مستحبّ است همراه او مقداری از تربت حضرت حسین علیه السلام بگذارند، سپس لحد را بچیند و بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَحْدَتَهُ، وَ اَنْسِ وَحْشَتَهُ، وَ اَرْحَمْ

خدایا به تنهایی اش برس، و به وحشتش انس ده، و به غریبی اش

غُرْبَتَهُ، وَ اَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ، رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ

رحم کن، و از رحمتت به او آرامش ده، رحمتی که به واسطه آن از

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

رَحْمَةً مِّن سِوَاكَ ، وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ ، مِّنَ الْأَيْمَةِ

رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و با هر که با او دوستی می نموده از ائمه پاک نهاد

الطَّاهِرِينَ . وَ مُسْتَحَبَّ اسْتِ مِيتٍ وَ قَتِي كِه دَر قَبْرِ كَذَا شْتِه شَدْ ،

محشور ش کن.

پیش از چیدن لحد به شهادتین و اسماء ائمه تلقین شود، به این صورت که تلقین کننده می گوید: یا فلان بن فلان و به جای این دو کلمه نام میت و پدر او را ذکر می کند، و می گوید:

أَذْكَرَ الْعَهْدَ الَّذِي خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنْ دَارِ الدُّنْيَا، شَهَادَةَ أَنْ

آن پیمانی را که بر آن از خانه دنیا خارج شدی یاد آور: گواهی بر اینکه

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، و اینکه محمد بنده

وَ رَسُولُهُ ، وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ،

و فرستاده اوست، و اینکه علی امیر مؤمنان و حسن و حسین

يَكُ يَكُ أَمَامَانِ رَا تَا آخِرِ ذَكَرْ كَنْدِ ائِمَّتُكَ ائِمَّةُ الْهُدَى الْآبَرَارُ .

امامان تواند امامان هدایت و نیکانند

وقتی از چیدن لحد فارغ شد خاک بر او بریزد، و مستحب است کسانی که حاضر شده اند، با پشت دستهای خود خاک بریزند، و در آن حال بگویند:

﴿إِنَّا لِلَّهِ ، وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ؛ ﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ ،

ما از خداییم، و به سوی او بازمی گردیم، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند،

وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ﴾ . اَللّهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا . چُون بِيْرُون

و خدا و رسولش راست گفتند. خدایا ایمان و تسلیم ما را بیفز

آمدن از قبر را اراده کند از طرف پای میت بیرون آید، بعد قبر را پر

بعضی از آداب دعا، می مربوط بر مرک

کند، و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کند، و در قبر غیر از خاک قبر نریزد، و ابتدا کند در ریختن آب از جانب سر و آب را در چهار طرف قبر دور دهد، تا باز گردد آنجایی که شروع کرده، اگر چیزی از آب اضافه آمده وسط قبر بریزد، پس وقتی که قبر را پوشانید، هرکسی که می خواهد دست خود را بر قبر بگذارد، و انگشتان خود را بگشاید و در خاک قبر فرو ببرد و برای میت دعا کند و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّسْ وَحَشَتَهُ ، وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ ، وَ اَسْكِنْ (وَ اَمِنْ)

خدایا وحشتش را انس بخش، و به غربتش رحم کن، و هراسش

رَوَعَتَهُ ، وَصِلْ وَحَدَتَهُ ، وَ اَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ، رَحْمَةً

را آرام نما، و به تنهایی اش برس، و از رحمت به او آرامش ده، رحمتی

يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ ، وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ .

که به آن از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و او را با هر که با او دوستی می کرده محصور کن

چون مردم از کنار قبر باز گشتند، کسی که به میت سزاوارتر است برگشتنش را به تأخیر اندازد، و به او مهربانی کند، و اگر مقام تقیه نباشد به صدای بلند بگوید: یا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ اسم میت و پدرش را بگوید: اَللّٰهُ رَبُّكَ ، وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ ، وَالْقُرْآنُ كِتَابُكَ ، وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتُكَ ، وَ عَلِيُّ اِمَامُكَ ، وَالْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ، ائمه را یک یک نام ببرد اَيِّمَّتْكَ ، اَيِّمَّةُ الْاَبْرَارِ .

مؤلف گوید: غیر از زمان احتضار در دوجا برای میت خواندن

بعضی از آداب دعا های مربوط به مرگ

تلقین مستحب است: یکی زمانی که او را در قبر می گذارند. و بهتر آن است با دست راست دوش راست، و با دست چپ دوش چپ او را بگیرند، و وی را حرکت دهند و تلقین کنند. و دیگر زمانی که از دفن او فارغ شدند، پس از آن که مردم رفتند، مستحب است ولیّ میّت یعنی نزدیک ترین خویشان او نزد سر میّت بنشینند، و به صدای بلند به او تلقین کنند، و خوب است دو کف دستش را روی قبر گذارد، و دهان را نزدیک قبر ببرد، و اگر دیگری را هم نایب کند خوب است. و در اخبار وارد شده: چون میّت را این گونه تلقین کنند منکر به نکیر گوید: بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست، پس باز می گردند و دیگر سؤال نمی کنند. علامه مجلسی رحمته الله فرموده: اگر تلقین کننده به این صورت بگوید جامع تر است:

إِسْمِعْ، إِفْهَمْ، يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، نَامُ أَوْ وَ پَدْرَش رَا بْگَویْد: هَلْ

آیا

ای فلان بن فلان

بشنو، بفهم

أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ، مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

بر آن پیمانی که از ما بر پایه آن جدا شدی می باشی، از گواهی بر اینکه معبودی جز خدا نیست،

وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ،

یگانه و بی شریک است، و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش)

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ، وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَنْ

بنده و فرستاده اوست، و سرور پیامبران و خاتم رسولان است، و اینکه

عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ إِمَامُ افْتَرَضَ اللَّهُ

علی امیر مؤمنان است و آقای جانشینان، و امامی که خدا

طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَأَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ،

اطاعتش را بر جهانیان واجب کرده، و اینکه حسن و حسین، و علی بن الحسین،

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

و مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر،

وَ عَلِيٍّ بْنَ مُوسَى، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنَ

و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن

ابنِ عَلِيٍّ، وَ الْقَائِمِ الْحُجَّةَ الْمُهَدِّيَّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةُ

بن علی، و قائم حجت مهدی (درودهای خدا بر ایشان) امامان

الْمُؤْمِنِينَ، وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَ أَيْمَتَكَ أَئِمَّةُ

مؤمنان، و حجت‌های خدا بر همه آفریدگانند، و امامانت امامان

هُدًى أَبْرَارُ. يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، إِذَا آتَاكَ الْمَلَكُ الْمُقَرَّبَانِ،

هدایت و نیکانند. ای فلان بن فلان، هنگامی که دو فرشته مقرب،

رَسُولَيْنِ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، وَ سَأَلَكَ عَنْ رَبِّكَ،

و دو فرستاده خدای تبارک و تعالی نزد تو آیند، و از پروردگارت

وَ عَنْ نَبِيِّكَ، وَ عَنْ دِينِكَ، وَ عَنْ كِتَابِكَ، وَ عَنْ قِبْلَتِكَ،

و پیامبرت و دینت و کتابت و قبلهات

وَ عَنْ أَيْمَتِكَ، فَلَا تَخَفْ، وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا: اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ

و امامانت از تو سؤال کنند، ترس، و در جواب آنها بگو: خدا جلّ جلاله

رَبِّي، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيِّ، وَ الْإِسْلَامُ دِينِي،

پروردگارم و محمد (درود خدا بر او و خاندانش) پیامبرم و اسلام دینم

وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي، وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِي، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيُّ بْنُ

و قرآن کتابم و کعبه قبله‌ام و امیر مؤمنان علی بن

أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي، وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي، وَ الْحُسَيْنُ

ابیطالب امامم، و حسن بن علی مجتبی امامم، و حسین

ابنِ عَلِيٍّ، الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءَ إِمَامِي، وَ عَلِيُّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِمَامِي،

بن علی شهید در کربلا امامم، و علی زین العابدین امامم،

وَ مُحَمَّدٌ بِاقْرِ عِلْمِ التَّبَيُّنِ إِمَامِي، وَ جَعْفَرُ الصَّادِقِ إِمَامِي،

و محمد شکافنده دانش پیامبران امامم، و جعفر صادق امامم،

بعضی از آداب دعا؛ می مربوط به مرک

وَمُوسَى الْكَافِمِ إِمَامِي، وَعَلِيٌّ الرِّضَا إِمَامِي، وَ مُحَمَّدٌ الْجَوَادُ

و موسی کاظم امام، و علی رضا امام، و محمد و محمد

إِمَامِي، وَعَلِيٌّ الْهَادِي إِمَامِي، وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي،

جواد امام، و علی هادی امام، و حسن عسگری

وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي، هُوَ لِأَيِّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

امام، و حجت منتظر امام می باشند. اینان که دروهای خدا بر

أَيْمَتِي، وَ سَادَتِي وَقَادَتِي وَ شُفَعَائِي، بِهِمْ أَتَوَلَّى، وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ

همگی آنان باد امامان من و آقایانم و پیشروانم و شفیعان من هستند. با آنان دوستی می کنم و از

أَتَبَرُّ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ ثُمَّ أَعْلَمُ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، أَنَّ اللَّهَ

دشمنان من در دنیا و آخرت بیزاری می جویم، سپس بدان ای فلان بن فلان به درستی که

تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خدای تبارک و تعالی نیکو پروردگاری است، و محمد (درود خدا بر او و خاندانش)

نِعَمَ الرَّسُولِ، وَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَ أَوْلَادَهُ

نیکو رسولی است، و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، و فرزندان

الْأَيُّمَّةَ الْوَاحِدَ عَشَرَ، نِعَمَ الْإِيْمَةِ، وَ أَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى

یازده امام نیکو امامانی هستند، و آنچه را محمد (درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ، وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ

خدا بر او و خاندانش) آورده حق است، و مرگ حق است، و سؤال نکیر

وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ، وَ الْبَعْثُ حَقٌّ، وَ النَّشُورُ حَقٌّ، وَ الصِّرَاطُ

و منکر در قبر حق است، و بعث و نشر حق است، و صراط

حَقٌّ، وَ الْمِيزَانُ حَقٌّ، وَ تَطَايُرُ الْكُتُبِ حَقٌّ، وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ، وَ النَّارُ

و میزان و پراکنی نامه اعمال حق است، و بهشت و دوزخ

حَقٌّ، وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

حق است، و قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست، و خدا هر که را در

الْقُبُورِ؛ أَنْغَاةً بَكْوَيْدٍ: أَفْهَمْتَ يَا فُلَانُ. در حدیث آمده: مِيت در

گورها هستند برانگیزد. ای فلان آیا فهمیدی؟

بعضی از آداب دعا، می مربوط به مرک

جواب می گوید: آری فهمیدم، سپس بگوید:

ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ ، هَذَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ،

خدا بر گفتار ثابت، ثابت قدمت بدارد، به راه استوار هدایت کند،

عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ ، فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ .

بین تو و اولیائش در قرارگاهی از رحمتش آشنایی برقرار کند.

سپس بگوید: اَللّهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ ، وَاصْعَدْ

خدا زمین را از دو پهلویش خالی گذار، و روانش

بِرُوحِهِ إِلَيْكَ، وَلَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا، اَللّهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ .

را به سویت بالا ببر، و از جانب خود حجت را تلقین او فرما، خدایا ببخش و در گذر.

این رساله را به کلمه شریفه «عفو» پایان دادم، و رجای واثق دارم که عفو الهی شامل حال این روسیاه و همه کسانی که به این رساله عمل می کنند شود.

وَ كَانَ ذَلِكَ فِي آخِرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ ، التَّاسِعَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمٍ

و پایان این کتاب در آخر روز جمعه، نوزدهم محرم،

الْحَرَامِ ، سَنَةِ ١٣٤٥ أَلْفٍ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ ، فِي جَوَارِ

سال هزار و سیصد و چهل و پنج قمری بوده است، در جوار

إِمَامِنَا الْمَسْمُومِ ، مَوْلَانَا الْغَرِيبِ الْمَظْلُومِ ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ

امام مسموم، مولای غریب و مظلوم ما، ابی الحسن علی بن

مُوسَى الرِّضَا ، عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ ، مِنْ الْحَيِّ الْقَيُّومِ ؛

موسی الرضا (که بر او و پدرانش سلام از سوی خدای زنده پاینده)،

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلًا وَ آخِرًا ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ .

و ستایش خدای را در آغاز و انجام، و آدرود خدا بر محمد و خاندانش باد.]

كَتَبَهُ بِيَمْنَاهُ الْوَازِرَةُ ، عَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَضَا الْقَمَى عَفَى عَنْهُمَا

آن را عباس فرزند محمد رضا قمی که خدا هر دو را عفو کند نگاشت